

اشتراکات شیعه و اهل سنت

در عقیده مهدویت

جواد جعفری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست

۷	..... دیاچه
۹	..... مقدمه
۱۱	..... فصل نخست: شخصیت‌شناسی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۱	..... ۱. نام امام
۱۳	..... ۲. نسب امام
۱۳	..... الف) اهل بیت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۴	..... ب) فرزند حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۷	..... ۳. اوصاف ظاهری امام
۱۹	..... ۴. جانشینی امام
۲۷	..... ۵. سیره امام
۲۷	..... الف) عدالت اقتصادی
۲۹	..... ب) بخشش فراوان
۳۳	..... فصل دوم: قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۳	..... ۱. حتمی بودن قیام
۳۶	..... ۲. نزدیکی قیام
۳۷	..... ۳. آخرالزمان بودن قیام

## ۶ اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

۴. دوران قبل از قیام ..... ۳۸
۵. نشانه‌های قیام ..... ۴۷
- الف) پرچم‌های سیاه ..... ۴۸
- ب) خسف پیدا ..... ۵۲
- ج) قتل نفس زکیه ..... ۵۸
۶. یاران قیام ..... ۶۳
- الف) تعداد یاران ..... ۶۳
- ب) محل بیعت ..... ۶۸
۷. محل قیام ..... ۶۹
۸. فرو آمدن حضرت عیسی ع‌ی‌س هنگام قیام ..... ۷۲
- فصل سوم: حکومت امام مهدی ع‌ج ..... ۷۷
۱. عدالت فراگیر ..... ۷۷
۲. نعمت بی سابقه ..... ۸۰
۳. طبیعت سرسبز ..... ۸۲
- نتیجه گیری ..... ۸۷
- کتابنامه ..... ۹۱

## دیباچه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين  
السلام على المهدي الذي يملأ الارض قسطا وعدلا كما ملئت  
ظلما وجورا.

باور به سرانجام نیک بشر و اصلاح جهان به دست فردی مصلح، از مشترکات همه ادیان است. اسلام نیز که برترین و کامل‌ترین دین الهی به‌شمار می‌رود، بدین خواسته و امید طبیعی انسان پاسخ گفته و چنین کسی را با عنوان «مهدی» به بشر شناسانده است. او کسی است که همان رسول خدا ﷺ و از عترت ایشان و از نسل فاطمه عليها السلام است. او همان کسی است که از کنار کعبه قیام خود را شروع می‌کند. قسط و عدل در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را بر پهنای زمین می‌گستراند. در این کار همه مصلحان کنار اویند و حتی عیسیای مسیح برای یاری‌اش می‌شتابند و پشت سرش به نماز می‌ایستند. آری او مهدی امت است که رسول خدا ﷺ بشارتش را به بشر داده است و در منابع روایی همه مذاهب اسلامی نیز با اوصاف مذکور از وی یاد شده است.

## ۸ اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

اما برخی کژاندیشان تفرقه جو با نادیده انگاشتن تمامی این روایات مشترک، آن را عقیده‌ای فرقه‌ای وانمود می‌نمایند.

از این رو محقق ارجمند، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای «جواد جعفری» در این تحقیق به عقیده مهدویت از این منظر پرداخته و با استفاده از روایات صحیح‌السند مشترک بین شیعه و اهل سنت به شبهات مذکور پاسخ گفته است. امید است این اثر چراغ راهی برای جست‌وجوگران حق و حقیقت باشد.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه کلام و معارف



## مقدمه

عقیده مهدویت، یعنی اعتقاد به قیام حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان که جهان را پر از عدل و داد می‌نماید، از عقایدی است که تمام مسلمانان با داشتن اختلاف مذهبی، بر آن اتفاق نظر دارند؛ چراکه موعود کتاب آسمانی مسلمانان و بشارت پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است. بی‌شک، اعتقاد به ظهور منجی ظرفیت‌های بسیار فراوانی در عرصه فردی و اجتماعی دارد. مطرح کردن اندیشه مهدویت می‌تواند چشم‌انداز حرکت امت اسلامی را مشخص نماید. هر فرد، گروه، تشکل و جامعه‌ای می‌تواند در سایه توجه به مهدویت، وظیفه خود را بشناسد و براساس آن، عملکرد خود را بسنجد. می‌توان با نگاه به این وعده بزرگ الهی و نبوی، فصلی مشترک برای گفت‌وگوی بین مذاهب اسلامی ایجاد نمود و مسلمانان را بیشتر به هم نزدیک کرد؛ چراکه بسیاری از موضوعات مهدویت میان همه مذاهب اسلامی مشترک است.

متأسفانه گروه‌هایی که با وحدت مسلمانان، منافع شیطانی‌شان به خطر می‌افتد، همواره به‌دنبال ایجاد تفرقه‌اند و چنین وانمود می‌کنند که عقیده مهدویت در نظام فکری شیعه، فصل مشترکی با اهل تسنن ندارد و

## ۱۰ اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

امام مهدی علیه السلام تنها در نام «مهدی» با اهل سنت مشترک است. گروه‌های تکفیری وهابیت از این دسته‌اند. کسانی که به دلیل داشتن امکانات مادی فراوان، شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و سایت‌های متعدد مجازی، پیوسته تفرقه و دشمنی را میان امت اسلامی تبلیغ می‌کنند. صورت خوش‌بینانه این است که چنین افرادی، افزون بر بی‌اطلاعی از روایات شیعه، کم‌ترین آگاهی هم از منابع روایی اهل تسنن ندارند؛ زیرا اگر نیم‌نگاهی به این کتاب‌ها بیندازند، خواهند دید بسیاری از مسایل مهدویت میان شیعه و سنی مشترک است.

در واقع این تحقیق، به برخی نقاط مشترک میان شیعه و سنی در مسئله مهدویت می‌پردازد. بی‌شک، مراجعه به منابع روایی شیعه و اهل سنت و استخراج روایات مشترک، به روشنی گویای اشتراک فراوان و وحدت نظر جهان اسلام در آموزه بالنده مهدویت است.

در این نوشتار سعی شده است تا احادیث معتبر اهل سنت نقل شود تا بهانه‌جویان تفرقه‌افکن، ضعف سند یا بی‌اعتباری منبع آن را بهانه نمایند. بی‌تردید اگر قرار باشد همه روایات اهل سنت در نظر گرفته شود، موارد مشترک میان روایات شیعه و سنی بسیار فراوان‌تر از این خواهد شد.<sup>۱</sup> موارد مشترک میان فرق اسلامی در سه بخش کلی ارائه می‌شود: بخش اول، مشترکات روایات شیعه و سنی درباره شخص امام مهدی علیه السلام. بخش دوم، مشترکات درباره قیام ایشان و بخش سوم مشترکات درباره دوران حکومت امام مهدی علیه السلام.

---

۱. رک: بررسی تطبیقی روایات مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، مهدی اکبرنژاد.

## فصل اول: شخصیت‌شناسی امام مهدی عجله الله تعالی فرجه

فردی که در آخرالزمان قیام خواهد کرد و جهان را پر از عدالت خواهد نمود، شخصیتی منحصر به فرد است؛ به طوری که در احادیث فریقین، ویژگی‌های متعددی برای ایشان ذکر شده است. در بخش نخست از روایات شیعه و سنی، موارد مشترک مربوط به شخص امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، نقل می‌گردد.

### ۱. نام امام

نخستین نکته مشترک میان فرق اسلامی، در موضوع شخص امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، نام ایشان است. گفتنی است افزون بر لقب معروف ایشان، یعنی «مهدی» که مشترک میان احادیث شیعه و سنی است، نام ایشان در احادیث فریقین یکسان نقل شده است. احادیث شیعه و سنی به همنام بودن امام مهدی عجله الله تعالی فرجه با پیامبر اسلام ص تصریح کرده‌اند؛ برای نمونه «ابوداود»، یکی از نویسندگان صحاح سته اهل تسنن، در کتاب خود چنین نقل می‌کند:

عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ» قَالَ زَائِدَةٌ فِي حَدِيثِهِ:  
«لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ» ثُمَّ اتَّفَقُوا «حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنِّي» أَوْ

«مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي ... زَادَ فِي حَدِيثِ فِطْرٍ:  
 «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» وَ قَالَ فِي  
 حَدِيثِ سُفْيَانَ: «لَا تَذْهَبُ أَوْ لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ  
 الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي».<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می گرداند تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزاند که همنام من است... زمین را از برابری و عدالت پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر گشته است.

«دکتر بستوی»، از نویسندگان معاصر اهل سنت، افزون بر سنن ابی داوود، چهارده منبع از اهل سنت را برای این حدیث نام می برد و اعتبار سند حدیث را ثابت می کند.<sup>۲</sup> «شیخ صدوق» نیز از طریق راویان احادیث شیعه، همین مطلب را از پیامبر اسلام ﷺ نقل کرده است:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُهَدِيُّ  
 مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا  
 تَكُونُ بِهِ غَيْبَةً وَ حَيْرَةً تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ النَّاقِبِ  
 يَمْلؤها عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.<sup>۳</sup>

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ روایت می کند که حضرت فرمود: «مهدی ﷺ از فرزندان من است. اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است. از نظر خلق (قیافه) و خلق (رفتار) شبیه ترین مردم به من است. برای او غیبت و حیرتی است که امت ها در آن گمراه شوند.

۱. سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۰۶. الالبانی به حسن و صحیح بودن این حدیث، حکم کرده است.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، عبدالعظيم عبدالعظيم البستوي، ص ۲۵۱.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶.

## فصل اول: شخصیت‌شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ۱۳

سپس مانند شهاب ثاقب پیش آید و زمین را پراز عدل و داد نماید؛ همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد».

با توجه به روایات فریقین، روشن می‌شود که نام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه میان شیعه و سنی یکسان نقل شده است که همان نام پیامبر گرامی اسلام ص است.

## ۲. نسب امام

دومین مورد از اشتراکات مورد بحث در روایات شیعه و سنی، مسئله نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است. روایات فریقین درباره نسل امام، اشتراکات فراوانی دارند؛ به طوری که تصویر یکسانی را از خاندان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نشان می‌دهند. ما در اینجا تنها به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

### الف) اهل بیت پیامبر ص

روایات شیعه و سنی بدون هیچ اختلاف، بیانگر آن است که موعود جهان اسلام، از خاندان پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی ص است. «ابن ماجه»، مؤلف یکی از صحاح سته اهل سنت، چنین نقل می‌کند:

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمُهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي نَيْلَةٍ.<sup>۱</sup>

حضرت علی رضی الله عنه از پیامبر اکرم ص روایت کرده است که پیامبر ص فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه از ما اهل بیت است و خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.

---

۱. سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷. «اللبانی» به حسن بودن سند این حدیث حکم کرده است. «محمد فؤاد الباقي» در شرح این قسمت از حدیث که می‌فرماید «خداوند یک‌شبه اصلاحش می‌کند»، از ابن‌کثیر نقل می‌کند که یعنی خداوند رو به امام می‌کند و او را موفق می‌گرداند و راه پیشرفتش را به او الهام می‌کند؛ بعد از آنکه چنین نبود.

دکتر بستوی افزون بر سنن «ابن ماجه»، ده منبع حدیثی دیگر را برای این روایت نام می‌برد و از نظر سندی، آن را معتبر می‌شمارد.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز همین حدیث را از طریق شیعه چنین آورده است:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْظَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْمُهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ.<sup>۲</sup>

ابراهیم پسر محمد حنفیه از پدرش محمد و او از پدرش امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ از ما پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از ما اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است و خداوند کار او را در یک شب اصلاح می‌کند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، این‌گونه روایات حتی در راویان نزدیک به معصوم هم مشترک است و از همگونی بسیار زیاد معارف مهدوی در فریقین خبر می‌دهد.

#### ب) فرزند حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ

بیان شد که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. البته اهل بیت، به‌ویژه در نگاه اهل سنت، دایره وسیعی از خاندان پیامبر را شامل

۱. المهدی المنتظر عَلَيْهِ السَّلَامُ فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۱۵۶. گروهی از دانشمندان، این حدیث را صحیح دانسته‌اند. «ابن حجر» می‌گوید در سند کتاب سنن ابن‌ماجه نام راوی «یاسین» بدون انتساب آمده است. بنابراین برخی از محدثان متأخر گمان کرده‌اند «یاسین ابن معاذ زیات» است و حدیث را به‌خاطر او تضعیف کرده‌اند که کار درستی نیست. این جمله ابن حجر نشان می‌دهد وی حدیث را صحیح می‌داند. «سیوطی» نیز این حدیث را حسن دانسته است و «احمد شاکر» گفته است سندهای آن صحیح است. آلبانی هم حکم به صحت کرده است. در نتیجه، سند این حدیث حسن است.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۵۲.

## فصل اول: شخصیت‌شناسی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه ۱۵

می‌شود. اما احادیث معتبری از فریقین این دایره را محدود می‌کند. براساس احادیثی از شیعه و سنی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد. آری! فریقین اتفاق نظر دارند انسان بزرگواری که جهان را از ظلم و جور نجات می‌دهد و بشر را به اوج عدالت و معنویت می‌رساند، فرزندی از فرزندان زهرا علیها السلام است. «ابوداود» از محدثان اهل تسنن چنین نقل کرده است:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: الْمُهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ.<sup>۱</sup>

ام‌سلمه می‌گوید که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه از عزت من است؛ از فرزندان فاطمه».

دکتر بستوی برای این حدیث، افزون بر سنن ابی داوود، ۹ منبع روایی اهل سنت را نام برده و ضمن اثبات اعتبار سند، نام کسانی را که اعتقاد به صحت سند این حدیث دارند، بیان کرده است.<sup>۲</sup> «شیخ طوسی» از طریق شیعه نیز چنین نقل می‌کند:

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ الْمُهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ.<sup>۳</sup>

ام‌سلمه می‌گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه از عزت من است؛ از فرزندان فاطمه».

البته درباره نسل و نسب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تفاوت‌هایی هم وجود دارد که به

۱. سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲. المهدي المنتظر عجل الله تعالی فرجه فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحيحة، ص ۲۰۲.

۳. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۱۸۷.

نظر می‌رسد برخی از آنها با دقت در روایات حل شدنی است؛ مانند حسنی یا حسینی بودن امام مهدی علیه السلام. بیشتر اهل سنت معتقدند مهدی موعود علیه السلام از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است. اما دلیل این اعتقاد، تنها یک روایت ضعیف‌السند است. این روایت را اهل سنت از سنن ابی داوود نقل کرده‌اند؛ در حالی که خودشان سند آن را ضعیف می‌دانند.<sup>۱</sup> اما شیعه براساس صدها روایت<sup>۲</sup> معتقد است که امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است. البته دانشمندان شیعه و سنی معتقدند که این تفاوت، اختلاف مهمی نیست و روایات با هم قابل جمع است؛ زیرا شیعه و سنی قبول دارند که امام مهدی علیه السلام هم حسنی است و هم حسینی؛ حال یا از طرف پدر حسینی است و از طرف مادر حسنی<sup>۳</sup> یا برعکس.<sup>۴</sup>

۱. موسوعة فی أحادیث الإمام المهدی، الضعیفة و الموضوعة، عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی، ص ۳۴۸.  
 ۲. رک: من هو المهدی، ابوطالب تجلیل تبریزی. در این کتاب، روایات فراوانی درباره نسب امام مهدی علیه السلام جمع‌آوری شده است.

۳. المهدی المنتظر علیه السلام فی الفكر الإسلامی، مرکز الرسالة، ص ۶۶. وی می‌نویسد: میان روایتی که می‌گوید امام مهدی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است و میان روایاتی که تصریح دارد امام مهدی از فرزندان امام حسین علیه السلام است، تعارض نیست و جمع میان این روایت‌ها وجود دارد؛ به این‌گونه که امام مهدی علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی باشد؛ چرا که همسر امام سجاد علیه السلام، مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. بنابراین امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است و فرزندان ایشان واقعاً از نسل امام حسن و امام حسین علیه السلام هستند. این جمع میان روایات را قرآن تأیید می‌کند. خداوند می‌فرماید: «و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم، هر یک را هدایت کردیم و نوح را پیش از این هدایت نمودیم و از فرزندان او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون، این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از شایستگان بودند». (انعام: ۸۴ و ۸۵). حضرت عیسی علیه السلام از طرف حضرت مریم علیه السلام به فرزندان پیامبران پیوسته است. پس مانعی ندارد که فرزندان امام باقر علیه السلام از طرف مادر به امام حسن مجتبی علیه السلام ملحق شوند؛ همان‌گونه که حسنین از طرف فاطمه زهرا علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله ملحق شدند. با فرض صحت حدیث ابوداود در جمع میان این روایات شکی نیست؛ اگرچه حدیث وی از تمام وجوه مخالف صحت است. چنان‌که پیش‌تر گذشت.

۴. مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۸، ص ۳۴۳۸. وی می‌نویسد: «اختلاف شده است ←



### ۳. اوصاف ظاهری امام

سومین مورد مشترک میان فرق اسلامی در بحث شخص امام مهدی عجل الله فرجه، برخی از ویژگی‌های ظاهری (قیافه) ایشان است. در احادیث شیعه و سنی، شکل ظاهری امام نیز یکسان بیان شده است؛ ابوداؤد در کتاب‌های اهل تسنن چنین نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمُهْدِيُّ مِنِّي أَجَلِي الْجَبْهَةُ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا...<sup>۱</sup>

«ابوسعید خدری» می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی عجل الله فرجه از من است.

پیشانی بلند و باریک و بینی کشیده دارد. زمین را از برابری و عدل پر

می‌کند؛ همان‌گونه که از ستم و ظلم پر شده است... .

دکتر بستوی، غیر از کتاب سنن ابی داؤد، دو منبع دیگر برای این

حدیث از منابع روایی اهل تسنن نام می‌برد و اعتبار سند آن را نیز ثابت

می‌کند.<sup>۲</sup> همچنین در «مسند احمد بن حنبل» آمده است:

---

→ که امام مهدی عجل الله فرجه از فرزندان امام حسن مجتبی است یا امام حسین علیه السلام و امکان دارد جامع هر دو نسبت باشد. روشن تر آن است که از طرف پدر حسنی و از طرف مادر حسینی است. مشابه آنچه در فرزندان حضرت ابراهیم یعنی اسماعیل و اسحاق قرار داده است؛ زیرا پیامبران بنی اسرائیل همه از فرزندان اسحاق بودند و تنها پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندان اسماعیل است؛ درحالی‌که جانشین و خاتم تمام پیامبران است و بدل و عوض خوبی است. همچنین وقتی بیشتر امامان و بزرگان امت از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند، مناسب است به امام حسن مجتبی علیه السلام فرزندی عطا شود که خاتم اولیا و جانشین سایر اصغیا می‌شود. افزون بر اینکه گفته شده است وقتی امام حسن علیه السلام از خلافت ظاهری دست کشید، براساس مناقب بیان شده در احادیث نبوی، به ایشان پرچم ولایت مرتبه قطبیت عطا شد. پس مناسب است از جمله آن مرتبه قطبیت، نسبت مهدویت باشد که مقارن نبوت عیسوی است و مناسب است همراه شدن آن دو بزرگوار در بالابردن کلمه آیین نبوی (بر صاحب آیین هزاران سلام و تحیت باد).

۱. سنن ابی داؤد، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲. المهدی المنتظر عجل الله فرجه فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة، ص ۱۷۴.

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَجَلِي أَقْنَى يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ قَبْلَهُ ظُلْمًا...<sup>۱</sup>

ابوسعید خدری می گوید که پیامبر ﷺ فرمود: قیامت برپا نمی گردد تا مردی از خاندان من حکومت نماید که پیشانی بلند و باریک و بینی کشیده دارد. او زمین را از عدل پر می کند؛ همان گونه که قبل از آن، از ظلم پر شده است...

دکتر بستوی غیر از کتاب مسند احمد، سه منبع دیگر از منابع روایی اهل تسنن را برای این حدیث نام می برد و با بیانی درباره راوی این حدیث، اعتبار سند آن را ثابت می کند.<sup>۲</sup> سپس نام محدثانی که این حدیث را در موضوع مهدویت آورده اند، ذکر می کند تا معلوم شود منظور از «مردی از خاندان من»، امام مهدی ﷺ است. در کتب شیعه نیز جریر طبری این حدیث پیامبر ﷺ را چنین آورده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَجَلِي أَقْنَى يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ قَبْلَهُ ظُلْمًا...<sup>۳</sup>

ابوسعید خدری می گوید: پیامبر ﷺ فرمود: قیامت برپا نمی گردد تا مردی از خاندان من حکومت نماید که پیشانی بلند و باریک و بینی کشیده دارد. او زمین را از عدل پر می کند؛ همان گونه که قبل از آن از ظلم پر شده است...

۱. مسند أحمد، ج ۱۷، ص ۲۱۰.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۳۰۱.

۳. دلائل الإمامة، ص ۴۸۰.

اشتراک راویان حدیث مهدویت در کتاب‌های شیعه و سنی، نمایانگر وحدت حقیقت عقیده مهدویت میان فرق اسلامی است.

#### ۴. جانشینی امام

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی دوازده جانشین را برای بعد از خود معین کرد؛ به طوری که هیچ‌یک از دانشمندان شیعه و سنی در صحت حدیث دوازده خلیفه شکی ندارند.<sup>۱</sup> اما در روایات معتبر اهل تسنن، نام این دوازده وصی نقل نشده و همین موجب گردیده تا اهل تسنن در مصداق این دوازده تن اختلاف نمایند.<sup>۲</sup> البته برخی از دانشمندان اهل تسنن تصریح کرده‌اند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه دوازدهمین و آخرین این افراد است.

«ابن کثیر»، از دانشمندان اهل سنت، در تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا﴾ (مائده: ۱۲)، حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را درباره دوازده جانشین از مسند احمد بن حنبل چنین نقل می‌کند:

عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ وَهُوَ يُقْرَأُ الْقُرْآنَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ هَلْ سَأَلْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَمْ يَمْلِكُ هَذِهِ الْأُمَّةُ مِنْ خَلِيفَةٍ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ مَا سَأَلَنِي عَنْهَا أَحَدٌ مُنْذُ قَدِمْتُ الْعِرَاقَ قَبْلَكَ ثُمَّ قَالَ نَعَمْ وَلَقَدْ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ إِنَّا عَشْرٌ كَعِدَّةِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ مِنْ هَذَا

۱. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۳۶۷.

۲. برای دیدن اقوال دانشمندان اهل تسنن ر.ک: فتح الباری، ابن حجر؛ عون المعبود، عظیم آبادی؛ تحفة الأحمودی، مبارک‌فوری؛ مختصر سنن أبی داوود، مندری.

الْوَجْهِ وَأَصْلُ هَذَا الْحَدِيثِ ثَابِتٌ فِي الصَّحِيحَيْنِ مِنْ حَدِيثِ جَابِرِ  
ابْنِ سَمُرَةَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ أَمْرُ النَّاسِ مَاضِيًا مَا  
وَلَيْهِمْ ائْتَاعَ شَرِّ رَجُلًا ثُمَّ تَكَلَّمَ النَّبِيُّ ﷺ بِكَلِمَةٍ خَفِيَتْ عَلَيَّ  
فَسَأَلْتُ أَبِي مَاذَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قَرِيشٍ وَهَذَا لَفْظٌ  
مُسْلِمٌ وَمَعْنَى هَذَا الْحَدِيثِ الْبَشَارَةُ بِوُجُودِ ائْتِنِي عَشَرَ خَلِيفَةً  
صَالِحًا يُقِيمُ الْحَقَّ وَيَعْدِلُ فِيهِمْ.<sup>۱</sup>

احمد بن حنبل نقل می کند که مسروق گفت: نزد عبد الله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می آموخت. مردی به او گفت: «ای اباعبدالرحمان! آیا از پیامبر ﷺ پرسیدید این امت چند جانشین خواهد داشت؟» عبدالله گفت: «از وقتی به عراق آمده‌ام، قبل از تو کسی از من در این باره سؤال نکرده است». بعد گفت: «آری! از پیامبر ﷺ پرسیدیم». پیامبر ﷺ فرمود: «دوازده تن به تعداد بزرگان بنی اسرائیل». این حدیث غریبی از این جهت است. اصل این حدیث ثابت است در صحیحین (بخاری و مسلم) از حدیث جابر بن سمره که گفت شنیدیم پیامبر ﷺ فرمود: «همیشه امور مردم می گذرد تا وقتی که دوازده مرد بر آنان ولایت کنند». سپس پیامبر ﷺ کلمه‌ای را فرمود که بر من مخفی ماند. از پدرم پرسیدم که پیامبر ﷺ چه فرمود؟ گفت: «همه از قریش هستند» و این عبارت [صحیح] مسلم است و معنای این حدیث، مژده به وجود دوازده جانشین صالح است که حق را اقامه می کنند و میان مردم به عدالت رفتار می نمایند.

آن‌گاه تصریح می کند:

وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَكُونَ وَلَا يَتُّهُمْ لَا مَحَالَةَ وَالظَّاهِرُ أَنَّ مِنْهُمْ  
الْمُهْدِيَّ الْمُبَشَّرُ بِهِ فِي الْأَحَادِيثِ الْوَارِدَةِ بِذِكْرِهِ.<sup>۱</sup>

و قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه اینان حکومت نمایند و ظاهر این است

که مهدی علیه السلام بشارت داده شده در احادیث، جزء آن دوازده تن است.

کلام وی را «مبارک‌فوری»<sup>۲</sup> و «عظیم‌آبادی»<sup>۳</sup> نیز نقل کرده‌اند. همچنین

ابوداوود، «کتاب‌المهدی» را با حدیث «جابر بن سمره» که گویای دوازده

جانشین است، چنین شروع می‌کند:

عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا يَزَالُ هَذَا  
الدِّينَ قَائِمًا حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مَجْتَمِعٌ عَلَيْهِ  
الْأُمَّةُ فَسَمِعْتُ كَلَامًا مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ أَفْهَمْهُ قُلْتُ لِأَبِي مَا يَقُولُ قَالَ  
كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.<sup>۴</sup>

جابر بن سمره می‌گوید: شنیدم رسول‌الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «همیشه این دین

برپاست تا دوازده خلیفه بر شما باشند که امت همه بر آنها توافق

می‌کنند». بعد کلامی از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که آن را نفهمیدم. به پدرم

گفتم: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه فرمود؟ گفت: «همه از قریش هستند».

از «سیوطی» نقل شده که وقتی ابوداوود این حدیث را در «کتاب

المهدی» نقل می‌کند، به پذیرش قول دانشمندان اشاره می‌نماید که آنها

می‌گویند: «امام مهدی علیه السلام جزء این دوازده تن است».<sup>۵</sup> دکتر بستوی نیز

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۹.

۲. تحفة الأحمدي، ج ۶، ص ۳۹۳.

۳. عون المعبود و حاشية ابن القيم، ج ۱۱، ص ۲۴۷.

۴. سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۰۶. ألبانی به صحت این حدیث حاکم کرده است.

۵. شرح سنن أبي داود، عباد، درس ۴۸۲، ص ۴. سیوطی در آخر جلد «العرف الوردی فی ←

این مطلب را بیان کرده است.<sup>۱</sup>

برخلاف کوتاه و مبهم بودن روایات اهل تسنن در موضوع دوازده جانشین، احادیث شیعه نام این دوازده وصی را به تفصیل نقل می‌کند و نشان می‌دهد دوازدهمین جانشین، چه کسی است؛ برای نمونه «مرحوم کلینی» در کتاب خود چنین نقل کرده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «من با تو کاری دارم. چه وقت برایت آسان‌تر است که تو را تنها بینم و از تو سؤال کنم؟» جابر گفت: «هر وقت شما بخواهی». پس روزی با او در خلوت نشست و به او فرمود: «درباره لوحی که آن را در دست مادرم، فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده‌ای و آنچه مادرم به تو فرمود که در آن لوح نوشته بود، به من خبر ده!» جابر گفت: «خدا را گواه می‌گیرم که من در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت مادرت فاطمه علیها السلام رفتم و او را به ولادت حسین علیه السلام تبریک گفتم و در دستش لوح سبزی دیدم که گمان کردم از زمرد است و مکتوبی سفید در آن دیدم که چون رنگ خورشید [درخشان] بود. به او عرض کردم: دختر پیغمبر! پدر و مادرم قربانت. این لوح چیست؟ فرمود: لوحی است که خدا آن را به رسولش صلی الله علیه و آله هدیه فرمود که اسم پدرم و اسم شوهرم و اسم دو پسر و اسم اوصیای از فرزندانم در آن

---

→ اخبار المهدی» می‌گوید: «در این باب ذکر شد که این روایت اشاره دارد به آنچه دانشمندان گفته‌اند که امام مهدی یکی از دوازده جانشین است».

۱. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۳۳۷. و برخی از دانشمندان، امام مهدی بشارت داده شده را از آن دوازده تن شمرده‌اند و بنابر همین، ابو داود نیز حدیث دوازده جانشین را در باب المهدی کتاب سنن خود آورده است.

نوشته است و پدرم آن را به عنوان مؤذگانی به من عطا فرمود». جابر گوید: «سپس مادرت فاطمه رضی الله عنها آن را به من داد. من آن را خواندم و رونویسی کردم». پدرم به او گفت: «ای جابر! آن را بر من عرضه می‌داری؟» عرض کرد: «آری». آن‌گاه پدرم همراه جابر به منزل او رفت. جابر ورق صحیفه‌ای بیرون آورد. پدرم فرمود: «ای جابر! تو در نوشته‌ات نگاه کن تا من برایت بخوانم». جابر در نسخه خود نگریست و پدرم قرائت کرد. حتی یک حرف هم اختلاف نداشت. آن‌گاه جابر گفت: «خدا را گواه می‌گیرم که این گونه در آن لوح نوشته دیدم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این نامه از جانب خداوند عزیز حکیم است برای محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر او، و نور و سفیر و دربان (واسطه میان خالق و مخلوق) و دلیل او، که روح‌الامین (جبرئیل) از نزد پروردگار جهان برای او فرو آورده است. ای محمد صلی الله علیه و آله نام‌های مرا بزرگ شمار... من هیچ پیغمبری را مبعوث نساختم که دوران‌ش کامل شود و مدت‌ش تمام گردد، جز اینکه برای او وصی و جانشینی مقرر کردم و من تو را بر پیغمبران برتری دادم و وصی تو را بر اوصیای دیگر، و تو را به دو شیرزاده و دو نوه‌ات، حسن و حسین، گرامی داشتم و حسن را بعد از سپری شدن روزگار پدرش، کانون علم خود قرار دادم و حسین را خزانه‌دار وحی خود ساختم و او را با شهادت گرامی داشتم و پایان کارش را به سعادت رسانیدم. او برترین شهادت و مقامش از همه آنها برتر است. کلمه تامه خود را همراه او و حجت رسای خود را نزد او قرار دادم. به سبب عترت او، پاداش و کیفر دهم. نخستین آنها،

سرور عابدان و زینت اولیای گذشته من است و پسر او که همانند جد پسندیده خود محمد است، شکافنده علم من و کانون حکمت من است و جعفر است که شک کنندگان درباره او هلاک می‌شوند. هر که او را نپذیرد، مرا نپذیرفته است. سخن و وعده پابرجای من است که مقام جعفر را گرامی دارم و او را درباره پیروان و یاران و دوستانش خشنود سازم. پس از او، موسی است که [در زمان او] آشوبی سخت و گسیج‌کننده فرا گیرد؛ زیرا رشته وجوب اطاعت من قطع نگردد و حجت من پنهان نشود و همانا اولیای من با جامی سرشار سیراب شوند. هر کس یکی از آنها را انکار کند، نعمت مرا انکار کرده و آنکه یک آیه از کتاب مرا تغییر دهد، بر من دروغ بسته است. پس از گذشتن دوران بنده و دوست و برگزیده‌ام موسی، وای بر دروغگویان و منکران علی، دوست و یاور من و کسی که بارهای سنگین نبوت را بر دوش او گذارم و به وسیله انجام دادن آنها امتحانش کنم. مردی پلید و گردنکش (مأمون) او را می‌کشد و در شهری که (طوس) بنده صالح (ذوالقرنین) آن را ساخته است، کنار بدترین مخلوقم (هارون) به خاک سپرده می‌شود. فرمان و وعده من ثابت شده که او را به وجود پسرش و جانشین و وارث علمش محمد شاد سازم. او کانون علم من و محل راز من و حجت من بر خلقم می‌باشد. هر بنده‌ای به او ایمان آورد، بهشت را جایگاهش سازم و شفاعت او را درباره هفتاد تن از خاندانش که همگی سزاوار دوزخ باشند، بپذیرم و عاقبت کار، پسرش علی را که دوست و یاور من و گواه میان مخلوق من و



امین وحی من است، به سعادت رسانم. از او، دعوت کننده به سوی راهم و خزانه‌دار علمم، حسن را به وجود آورم و این رشته را به وجود پسر او «محمّد» که رحمت برای جهانیان است، کامل کنم. او کمال موسی و رونق عیسی و صبر ایوب دارد. در زمان [غیبت] او دوستانم خوار گردند و [ستمگران] سرهای آنها را برای یکدیگر هدیه فرستند؛ چنان که سرهای ترک و دیلم (کفار) را هدیه فرستند. ایشان را بکشند و بسوزانند و آنها ترسان و بیمناک و هراسان باشند. زمین از خونشان رنگین گردد و ناله و فغان میان زنانشان بلند شود. آنها دوستان حقیقی من هستند. به وسیله آنها هر آشوب سخت و تاریک را بزدایم و از برکت آنها شبهات و مصیبات و زنجیرها را بردارم. درود و رحمت پروردگار بر آنها باد و تنها ایشان‌اند، هدایت‌شدگان.

بنابراین جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله نزد شیعه، منحصر در همین دوازده تن است؛ به طوری که آنان بدون فاصله و پشت سر هم تا روز قیامت وصایت را در اختیار دارند و کسی غیر از اینان حق خلافت و حکومت ندارد؛ مگر به اذن و نیابت از آنان؛ مانند حکومتی که فقهای شیعه برعهده دارند. حکومت فقها در حقیقت، حکومت امام آن زمان است که فقیه جامع‌الشرایط آن را برپا می‌دارد؛ مانند نیابتی که «عثمان بن سعید» از امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام داشت.<sup>۱</sup>

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۰، «مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمْرِيِّ قَالَ: ... قَدْ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ وَ قُلْتُ مَنْ أَعْمَلٌ أَوْ عَمَّنْ أَخَذَ وَ قَوْلٌ مِنْ أَقْبَلُ فَقَالَ لَهُ الْعَمْرِيُّ يُقْتَلُ فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَمِّي فَعَمِّي يُؤَدِّي وَ مَا قَالَ لَكَ عَمِّي فَعَمِّي يَقُولُ فَاسْمِعْ لَهُ وَ اطَّعْ فَإِنَّهُ النَّقَّةُ الْمَأْمُونُ وَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا حَمْدٍ عليه السلام عَنْ مِثْلِ ←

اهل تسنن با آنکه احادیث دوازده خلیفه را قبول دارند، اما انحصار و پشت سر هم بودن آنان را نمی‌پذیرند.<sup>۱</sup> در حالی که این انحصار به راحتی از روایتی که از «ابن کثیر» در تفسیرش از «ابن مسعود» نقل کردیم، فهم و استفاده می‌شود؛ زیرا در آن روایت، هنگامی که راوی از تعداد خلفای این امت سؤال کرد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عدد دوازده را بیان فرمود و تأکید نمود تعداد آنان تا روز قیامت، به تعداد نقبای بنی اسرائیل است. طبیعی است که با توجه به پرسش، حمل روایت به خلفای عادل و صالح، خلاف ظاهر است و نقبای بنی اسرائیل تنها دوازده تن بودند نه آنکه عادل از آنان، دوازده نفر باشند. این نوشته در صدد نقد عقاید دیگر فرق اسلامی نیست. غرض بیان این نکته بود که برخی اختلاف‌ها با دقتی بیشتر در روایات حل‌شدنی است. بنابراین، به اتفاق نظر دانشمندان شیعه و سنی، دوازدهمین و آخرین جانشین پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

---

→ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْعَمْرِيُّ وَابْنُهُ نِقْتَانِ فَمَا أَذْيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَمَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهَا وَأَطِعْهَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَاتَانِ الْمُؤْمِنَانِ فَهَذَا قَوْلُ إِمَامَيْنِ...».

«عبدالله بن جعفر حمیری» می‌گوید: ابوعلی احمد بن اسحاق به من خبر داد که از حضرت هادی عَلَيْهِ السَّلَام سؤال کردم با چه کسی تعامل داشته باشم یا از چه کسی احکام دینم را به دست آورم و سخن چه کسی را بپذیرم؟ حضرت فرمود: «عمری مورد اطمینان من است. پس آنچه از جانب من به تو رساند، حقیقتاً از من است و آنچه از طرف من گوید، من می‌گویم. پس از او بشنو و اطاعت کن؛ زیرا او مورد اطمینان و امین است». همچنین خبر داد به من ابوعلی که او از امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام همین سؤال را کرده و او فرموده است که عمری و پرسش مورد اعتمادند. هرچه از جانب من به تو رسانند، حقیقتاً از جانب من رسانده‌اند و هرچه به تو گویند، از من گفته‌اند. از آنها بشنو و اطاعت کن که هر دو مورد اعتماد و امین هستند. این سخن دو امام است...».

۱. عون المعبود و حاشیة ابن القيم، ج ۱۱، ص ۲۴۵: «توربشتی» می‌گوید: «راه در این حدیث و آنچه در ادامه آن است در این معنا، این است که حمل شود بر عادلان از آنها؛ زیرا تنها آنها در حقیقت سزاوار نام جانشین و خلیفه‌اند و لازم نیست پشت سر هم باشند».

## ۵. سیره امام

پنجمین مورد مشترک میان فرق اسلامی در بحث شخص امام مهدی علیه السلام، روش حکومتی ایشان است. سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، موضوعی مهم در بحث مهدویت است. برخی روش‌های رفتاری امام در روایات فریقین بیان شده است که از موارد مشترک میان شیعه و سنی در عقیده مهدویت است. در اینجا به برخی از سیره‌های مشترک اشاره می‌شود:

### الف) عدالت اقتصادی

روایات فراوانی از شیعه و سنی به این نکته مهم اشاره کرده‌اند که زمین بر اثر رفتار امام، از عدالت پرمی‌گردد. در واقع امام، مظهر تام عدالت است؛ به طوری که رفتار ایشان با مردم، اعم از دوست و دشمن، موجب گسترش عدالت در تمام نقاط عالم خواهد شد و بشری که سال‌های متمادی، انتظار عدالت را کشیده است، طعم شیرین آن را در دولت مهدوی با تمام جان دریافت خواهد کرد.

گفتنی است یکی از موارد مشترک در احادیث فریقین، رعایت عدالت اقتصادی امام مهدی علیه السلام است؛ برای نمونه «حاکم نیشابوی» از عالمان برجسته اهل تسنن، این مطلب را از ابوسعید خدری چنین نقل می‌کند:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يُخْرَجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ ... وَيُعْطِي الْمَالَ صِحَاحًا ...

۱. ابوسعید در حدیث دیگری، معنای «صحاحا» را نقل کرده است. مسند احمد، ج ۱۷، ص ۴۲۶. حدیث ۱۱۳۲۶: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُبْتَسِرُكُمْ بِالْمُهْدِيِّ يَبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَرَلَا زَلَّ فِيمَا لَ الْأَرْضُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّيَاءِ وَسَاكِنُ الْأَرْضِ يُقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مَا صِحَاحًا قَالَ بِالسُّوَيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شما را به مهدی بشارت می‌دهم که در امت من برانگیخته می‌شود؛ در زمانی که زلزله‌ها و اختلاف شدیدی میان مردم وجود دارد. بعد زمین را از عدالت و برابری پر می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او ←

پیامبر ﷺ فرمود: مهدی ﷺ در آخر امت من خروج می کند... و اموال را مساوی تقسیم می کند.<sup>۱</sup>

بستوی ضمن اثبات صحت سند این حدیث، کسانی را که به صحت سند آن قائل اند، نام می برد.<sup>۲</sup> در احادیث شیعه نیز «جریر طبری»، همین مطلب را از ابوسعید خدری آورده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ذَكَرَ الْمَهْدِيَّ فَقَالَ... وَ يَقْسِمُ الْمَالَ قِسْمَةً صَحَاحًا قَالَ قُلْتُ: وَ مَا صَحَاحٌ قَالَ بِالسَّوَاءِ...<sup>۳</sup>

ابوسعید خدری می گوید: پیامبر ﷺ مهدی ﷺ را یاد کرد و فرمود: ... و مال را به طور صحاح تقسیم می کند. راوی می گوید: گفتم که صحاح چیست؟ فرمود: مساوی... .

بی شک، نگاه مساوی به امت در مسائل اقتصادی، از نشانه های مهم اجرای عدالت در جامعه است. کوتاه کردن دست ویژه خواران و بهره مندی یکسان افراد جامعه از ثروت های خدادادی می تواند الگویی کارآمد برای مسئولان و حاکمان کشورهای اسلامی باشد.

→ راضی می شوند. اموال را صحاحاً تقسیم می کند. مردی به پیامبر عرض کرد: صحاحاً یعنی چه؟ حضرت فرمود: به صورت مساوی میان مردم». ۱. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۶۰۱، حدیث ۸۶۷۳. «حاکم می گوید این حدیث صحیح الاسناد است. ولی بخاری و مسلم آن را ذکر نکرده اند». ذهبی نیز به صحت حدیث حکم کرده است. ۲. المهدي المنتظر، فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۱۶۵. وی می نویسد: بعد از توجه کردن به روایان در سند حدیث، روشن می شود همه آنها از کسانی اند که به آنها احتجاج می شود (معتبرند). حاکم نیشابوری نیز گفته است که سند این حدیث، صحیح است. اما مسلم و بخاری آن را در کتاب خود نیاورده اند. ذهبی هم با او موافق است و آلبانی گفته سندش صحیح است و روایان آن ثقه اند. پس سند آن، صحیح است. ۳. دلائل الإمامة، ص ۴۷۱.

### ب) بخشش فراوان

سنت و روش سخاوتمندانه امام مهدی علیه السلام در بخشش و بهره‌مندسازی مردم از نعمت‌های الهی، نکته دیگری است که روایات شیعه و سنی، یکسان بدان پرداخته است. فریقین نقل کرده‌اند که امام در دوران حکومت، به مردم توجه ویژه دارد و به آنان بی حساب بخشش خواهد نمود. «مسلم نیشابوری» در صحیح مسلم که از منابع دسته اول اهل تسنن است، سخاوت امام را چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ خُلَفَائِكُمْ خَلِيفَةٌ يَحْتُو الْمَالَ حَيْثُ لَا يَعُدُّهُ عَدَدًا<sup>۱</sup> وَفِي رِوَايَةٍ ابْنِ حُجْرٍ يَحْتَجِي الْمَالَ<sup>۲</sup>.

ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: از خلفای شما، خلیفه‌ای است که اموال را مشت‌مشت می‌بخشد و آن را نمی‌شمارد.

دکتر بستوی می‌گوید: «سند این حدیث، چون آفتاب روشن است».<sup>۴</sup>

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۳۴، شرح محمد فؤاد عبدالباقی: اهل لغت می‌گویند: گفته می‌شود «حیث» و «حتو»، دو لغت است که هر دو لغت در این حدیث آمده است و مصدر دومی برای فعل اولی آمده است و این کار جایز است از باب آیه قرآن: «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا»، حثو یعنی حفن [حفن، گرفتن با کف دست است؛ درحالی‌که انگشتان به هم چسبیده‌اند]. با دست و این حثوی که این خلیفه انجام می‌دهد به دلیل زیادی اموال و غنائم و فتوحات است؛ همراه با سخاوت خود ایشان. (لا یعدده عددًا). در بیشتر نسخه‌ها چنین است. صاحب کتاب مصباح می‌گوید «عددته عددًا» از باب قتل است و عدد به معنای معدود است و در بعضی نسخه‌ها «عددا» است. در این حالت مصدر تأکیدی می‌شود.

۲. صحیح الجامع الصغیر و زیادته، البانی، ج ۲، ص ۱۰۲۷: «و هو المهدي المبشر بخروجه بين يدي نزول عيسى عليه الصلاة والسلام، و يصلي عليه عليه الصلاة والسلام خلفه»؛ «و او مهدی است که به خروجش بشارت داده شده است؛ هنگام فرو آمدن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت عیسی پشت سر او نماز می‌خواند».

۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۳۵.

۴. المهدي المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص ۳۲۰: و هذا سند واضح كالشمس... «صدیق حسن‌خان» بعد از آوردن حدیث ابوسعید و جابر می‌گوید: «در این دو حدیث یادی از مهدی نشده است و دلیلی وجود ندارد که منظور از این دو روایت، ←

احمد بن حنبل نیز در نقل دیگری همین مطلب را آورده است:

حَدَّثَنَا ابْنُ أَبِي عَدِيٍّ عَنْ دَاوُدَ عَنْ أَبِي نَضْرَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يُعْطِي الْمَالَ وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا.<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ فرمود: در آخر الزمان خلیفه‌ای خواهد بود که اموال را می‌بخشد و آن را نمی‌شمارد.

شیخ طوسی نیز در احادیث شیعه، این مطلب را از ابوسعید با تفصیل

بیشتری نقل کرده است:

عَنْ جَبْرِ بْنِ نَوْفٍ أَبِي الْوَدَاكِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَاللَّهِ مَا يَأْتِي عَلَيْنَا عَامٌ إِلَّا وَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْمَاضِي وَلَا أَمِيرٌ إِلَّا وَهُوَ شَرٌّ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَهُ. فَقَالَ أَبُو سَعِيدٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ مَا تَقُولُ وَلَكِنْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَا يَزَالُ بِكُمْ الْأَمْرُ حَتَّى يُوَلَّدَ فِي الْفِتْنَةِ وَالْجَوْرِ مَنْ لَا يَعْرِفُ غَيْرَهَا حَتَّى يَمْلَأَ الْأَرْضَ جَوْرًا فَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ يَقُولُ اللَّهُ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنِّي وَمِنْ عِزَّتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْرًا وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفْلَادَ كِبِدْهَا<sup>۲</sup> وَيُخْتَوِ الْمَالَ حَتْوًا وَلَا يَعُدُّهُ عَدًّا وَذَلِكَ حِينَ

→ مهدی باشد. والله اعلم». آلبانی در صحیح جامع الصغیر این حدیث را آورده است. سپس در حاشیه آن نوشته است: «و او مهدی بشارت داده شده به خروج است هنگام فرو آمدن حضرت عیسیٰ عليه السلام و حضرت عیسی پشت سرش نماز می‌گذارد».

۱. مسند أحمد، ج ۱۷، ص ۵۴؛ سند این حدیث بنابر شرایط آمده در کتاب مسلم، صحیح است و ابن ابی شیبہ، مسلم و بغوی در شرح السنه آن را از طریق ابومعویه از داوود آورده‌اند. عبارت حدیث در کتاب ابن ابی شیبہ، «يعطي الحق بغير عدد» است. سندی می‌گوید: «يعطي المال ولا يبعده»، مدحی برای اوست که جود و بخشش او در حد کمال است یا اموال زیاد است.

۲. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۴۷۰. ابن اثیر در این باره می‌نویسد: در نشانه‌های قیامت آمده است «و تبقى الاض اقلاد کبدها»؛ «زمین خارج می‌کند گنجینه‌های دفن شده در آن را» و این استعاره است. اقلاد جمع فلد است و فلد جمع فلدَة است و آن قطعه‌ای است که از طول قطع شده باشد.

## يَضْرِبُ الْإِسْلَامُ بِحِرَانِهِ.<sup>۲۰۱</sup>

«جبر بن نوف» می‌گوید که به ابوسعید خدری گفتیم: «به خدا سوگند! سالی بر ما نمی‌آید، مگر بدتر از سال گذشته است و حاکمی نمی‌آید، مگر آنکه بدتر از حاکم قبل است». ابوسعید گفت: «از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود آنچه را تو می‌گویی. اما شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: همیشه کار بر شما چنین خواهد بود تا آنکه در فتنه و ستم کسی متولد می‌شود که غیر از آن را نمی‌شناسد تا آنکه زمین را پر از ستم می‌کند و کسی قادر نخواهد بود نام خدا را ببرد. بعد از آن خداوند، مردی از من، از عترتم، را برمی‌انگیزاند و زمین را پر از عدالت می‌کند؛ همان‌گونه که فرد قبل از او، پر از ستم کرده بود. زمین، گنج‌های خود را برای او خارج می‌کند. اموال را مشت‌مشت می‌بخشد و آن را نمی‌شمارد و این هنگامی خواهد بود که اسلام در زمین استقرار یابد.

چنان‌که ملاحظه شد، بخشش فراوان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه در احادیث شیعه و سنی بیان شده است. نکته اساسی این است که این اموال چگونه تأمین می‌شود که امام می‌تواند چنین بخشش بزرگی نماید؟ پاسخ این پرسش در قسمت آخر حدیثی است که شیخ طوسی نقل کرده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «این مسئله هنگامی خواهد بود که اسلام در زمین استقرار یابد».

آری! اجرای اسلام، رمز موفقیت جوامع بشری است. حتی رفاه و آسایش دنیوی نیز در سایه عمل به دین اسلام حاصل می‌شود. این نکته

---

۱. الجران: قسمت جلوی گردن شتر است و در این جا استعاره از قدرت یافتن و ثابت شدن است.

۲. الأمالی، شیخ طوسی، ص ۵۱۲.

### ۳۲ اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

می‌تواند راهکاری برای جوامع امروزی هم باشد؛ به‌ویژه برای کشورهای که در ظاهر، اسلامی هستند. اما برای زندگی بهتر، به دنبال طرح‌های سکولار می‌روند و گمان می‌کنند راه سعادت جامعه، تقلید کورکورانه از مدل‌های غربی و ضد دینی است. برگشت به اسلام و عمل به تمام دستورهای آن و نترسیدن از کفار، رمز و راه سعادت جوامع بشری است.

نتیجه: با دقت در موارد بیان شده روشن گردید که روایات شیعه و سنی در معرفی شخص موعود، مشترک و بسیار شبیه هم می‌باشند. برخی از اختلافات موجود نیز با کمی دقت و انصاف، برطرف می‌شود. نکته مهم این است که میزان نقاط مشترک، بسیار بیشتر از نقاط اختلافی است. بنابراین موضوع مهدویت می‌تواند عنصر وحدت میان جوامع اسلامی باشد و برخلاف تبلیغات وهابیان تکفیری که نه شیعه‌اند و نه سنی، بلکه دشمن هر دو مذهب‌اند، باید گفت اختلاف به حدی نیست که فصل مشترکی برای گفت‌وگو و تعامل وجود نداشته باشد.



## فصل دوم: قیام امام مهدی علیه السلام

گذشته از ویژگی‌های شخصی امام، روایات شیعه و سنی به یکی از مباحث مهم مهدوی، یعنی قیام و تشکیل حکومت جهانی، پرداخته است. احادیث فریقین درباره وضعیت جهان در زمان قیام، نشانه‌های قیام و اتفاقاتی که در آن دوران رخ می‌دهد، مطالب مشترکی را بیان کرده است. در این فصل، این مشترکات بیان می‌شود تا آشکار گردد، برخلاف وهابیان تکفیری که مدام اختلاف و تفرقه را القا می‌کنند، بسیاری از ویژگی‌های قیام امام مهدی علیه السلام در آموزه‌های شیعه و سنی مشترک است. بی‌شک، موضوع مهدویت می‌تواند محور وحدت میان شیعه و سنی باشد. ما در اینجا به برخی از موارد مشترک احادیث شیعه و سنی در این موضوع می‌پردازیم:

### ۱. حتمی بودن قیام

قیام و خروج امام مهدی علیه السلام برای تشکیل حکومت فراگیر و جهانی، از وعده‌های قطعی الهی در قرآن کریم است.<sup>۱</sup> این وعده الهی از زبان نبی

---

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ او

کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز ←

گرامی اسلام ﷺ نیز فراوان نقل شده است. احادیث شیعه و سنی، به طور یکسان، مزده خروج امام مهدی (ع) را با تأکید بسیار نقل کرده‌اند؛ برای نمونه ابوداود، بشارت قیام امام مهدی (ع) را چنین آورده است:

عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا.<sup>۱</sup>

حضرت علی (ع) از نبی اسلام ﷺ نقل کرد که پیامبر ﷺ فرمود: اگر از روزگار جز یک روز نمانده باشد، خداوند مردی از خاندان مرا برمی‌انگیزد که پر می‌کند آن را از عدل؛ همان‌گونه که از ستم پر شده است.

دکتر بستوی ضمن شمردن چهار منبع برای این حدیث، صحت سند آن را ثابت کرده است.<sup>۲</sup> شیخ صدوق نیز این وعده پیامبر ﷺ را در احادیث شیعه با تفصیل بیشتری بیان کرده است و چنین نقل می‌کند:

→ گرداند؛ هر چند مشرکان ناخشنود باشند». (توبه: ۳۳) و (صف: ۹) «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، برایشان پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. [به‌گونه‌ای] که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها همان فاسقان‌اند». (نور: ۵۵).

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ «در زبور بعد از ذکر (تورات)

نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد». (انبیاء: ۱۰۵).

۱. سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۷. آلبانی حکم به صحت حدیث کرده است.

۲. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص ۲۳۷.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ خُلَفَائِي وَ  
 أَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْهُمْ أَحْيَى وَ  
 آخِرُهُمْ وَلَدِي قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ  
 قِيلَ فَمَنْ وَلَدُكَ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ  
 جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ  
 وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرَجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ  
 رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ فَيَصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتُشْرِقَ الْأَرْضُ بِنُورِهِ<sup>۱</sup> وَ  
 يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.<sup>۳</sup>

عبدالله بن عباس می گوید که رسول خدا ﷺ فرمود: پس از من،  
 جانشین و وصی و حجت الهی بر خلق، دوازده نفرند که اول آنان  
 برادرم و آخرین ایشان فرزند من است. گفتند: «ای رسول خدا! برادر  
 شما کیست؟» فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام». گفتند: «فرزند شما  
 کیست؟» فرمود: «مهدی علیه السلام کسی که آن را پر از عدل و داد می کند؛  
 همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد و سوگند به خدایی که مرا به  
 حق، به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده  
 باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن روز  
 خروج کند. سپس روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرو می آید و پشت سر  
 او نماز می خواند و زمین به نورش روشن می گردد و حکومتش به شرق  
 و غرب عالم می رسد.»

۱. در برخی نسخه ها «الأطال الله ذلك اليوم» ذکر شده است.

۲. در برخی نسخه ها «بنور ربّه» و در برخی دیگر «بنور رها» آمده است.

۳. کمال الدین و تمام النعمه؛ ج ۱، ص ۲۸۰.

البته روایات معتبر فراوانی از شیعه و سنی، گویای این حقیقت است. ولی ما تنها برای نمونه و به منظور بیان اشتراک فریقین در این مسئله اساسی، به همین مقدار بسنده کردیم.

## ۲. نزدیکی قیام

طبق روایات فریقین، خروج و قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اتفاقی است که هر لحظه، امکان وقوع آن می‌رود؛ به طوری که هر لحظه ممکن است مقدمات ظهور حضرت فراهم شود و ایشان قیام نماید؛ به عبارت دیگر، در روایت شیعه و سنی به سرعت بسیار زیاد فراهم شدن مقدمات قیام تصریح شده است.

بنابراین به وقوع پیوستن خروج امام، مسئله‌ای دور از انتظار نیست؛ زیرا طبق وعده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ممکن است خداوند یک شبه امر ایشان را اصلاح نماید و مقدمات قیام فراهم گردد. ابن ماجه در سنن خود، این مطلب را چنین بیان کرده است:

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.<sup>۱</sup>

حضرت علی رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که ایشان فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه از ما اهل بیت است. خداوند یک شبه [کار] ایشان را اصلاح می‌کند.

دکتر بستوی از نویسندگان اهل سنت، یازده منبع حدیثی را برای این

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷. آلبانی حکم به حسن بودن سند کرده است. در شرح محمد فؤاد عبدالباقی در توضیح عبارت «یصلحه الله فی لیلۃ» آمده است که ابن کثیر می‌گوید: «یعنی رو می‌کند خداوند به او و موفق می‌گرداند او را و راه رشد او را به وی الهام می‌کند؛ بعد از آنکه چنین نبود».

روایت نام برده و سند آن را معتبر دانسته است.<sup>۱</sup> در منابع شیعه نیز شیخ صدوق، این حدیث را از طریق شیعه چنین آورده است:

... عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمَهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصَلِّحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ وَفِي رَوَايَةٍ أُخْرَى يُصَلِّحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.<sup>۲</sup>

امیرمؤمنان عليه السلام از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت می کند که پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: مهدی عليه السلام از ما اهل بیت است و خداوند کار او را یک شبه اصلاح می کند. در روایت دیگر آمده است که خداوند [کار] او را یک شبه اصلاح می کند.

گفتنی است راویان منتهی به معصوم این حدیث نیز در نقل شیعه و سنی مشترک است که نشان از وحدت معارف فریقین دارد.

### ۳. آخرالزمان بودن قیام

براساس احادیث فریقین، خروج حضرت مهدی عليه السلام در آخرالزمان رخ خواهد داد. تمام فرق اسلامی اتفاق نظر دارند که ایشان به عنوان خاتم الأوصیا، حکومت اسلامی را بر روی زمین ایجاد خواهد کرد؛ حاکم نیشابوری در کتاب حدیثی خود از حضرت علی عليه السلام چنین نقل کرده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْمَهْدِيِّ فَقَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: ... ذَلِكَ يُخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ...<sup>۳</sup>

۱. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۱۵۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۱، ص ۱۵۲.

۳. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۹۶. حاکم می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى سُرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَ لَمْ يُجْرَجْ» [التعليق من تلخيص الذهبي] على شرط البخاري و مسلم؛ «ابن حدیث بنابر شرایط مسلم و بخاری صحیح است. ولی آن دو، این حدیث را در کتاب خود نیاورده‌اند». ذہبی نیز گفته است که بنابر شرایط بخاری و مسلم، حدیث صحیح است.

جناب محمد بن حنفیه می گوید: نزد حضرت علی علیه السلام بودیم که مردی درباره امام مهدی علیه السلام از ایشان سؤال کرد. امام علی علیه السلام فرمود: «او در آخرالزمان خروج می کند».

دکتر بستوی اعتبار سند حدیث را بررسی و ثابت کرده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز در احادیث شیعه از حضرت علی علیه السلام این مطلب را چنین نقل می کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ  
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ هُوَ عَلَى الْمُنْبَرِ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ  
 الزَّمانِ ...<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام از طریق پدر و جد خویش علیه السلام هم از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که ایشان بر منبر بود که فرمود: «مردی از فرزندان من در آخرالزمان خروج می کند...».

چنان که ملاحظه می شود در این مورد نیز احادیث فریقین، مطلب یکسانی را از حضرت علی علیه السلام نقل کرده اند.

#### ۴. دوران قبل از قیام

مورد چهارم از روایات مشترک شیعه و سنی در موضوع قیام امام مهدی علیه السلام، وضع جهان در آستانه قیام امام است. براساس احادیث فریقین، قبل از خروج امام مهدی علیه السلام، وضعیت سخت و دشواری بر جهان حاکم خواهد شد. شریعت اسلام کم رنگ می شود و کسی سخنی

۱. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۲۰۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۳.

از خدا نخواهد گفت و هر که نام خدا ببرد، کشته خواهد شد؛ همان گونه که ابن ابی شیبه از محدثان متقدم اهل تسنن چنین نقل می کند:

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ يَنْقُضُ الْإِسْلَامَ حَتَّى لَا يُقَالَ اللَّهُ اللَّهُ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بَدَنِيهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بُعِثَ قَوْمٌ يَجْتَمِعُونَ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعَ الْخَرِيفِ وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ اسْمَ أَمِيرِهِمْ وَمُنَاحَ رِكَابِهِمْ.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیه السلام فرمود: اسلام کم فروغ می گردد؛ تا جایی که نام خدا برده نمی شود. هنگامی که چنین شد، پیشوای دین استقرار یابد. هنگامی که مستقر شد، گروهی برانگیخته می شوند و همانند قطعه ابرهای پاییز که به هم می پیوندند، گرد او جمع می شوند. به خدا سوگند! من نام رهبر آنان و محل استقرار مرکب هایشان را می دانم.

قسمتی از این حدیث را دانشمند شیعی «سید رضی» در نهج البلاغه نقل کرده است.<sup>۲</sup> «ابن ابی الحدید» نیز در شرح آن می گوید:<sup>۳</sup>

این خبر از خبرهای ملاحم است<sup>۴</sup> که حضرت علیه السلام خبر می داد و ایشان

۱. مصنف ابن ابی شیبه، ج ۷، ص ۴۵۲.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۷۵؛ و فی حدیثه علیه السلام: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بَدَنِيهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قَرْعُ الْخَرِيفِ»؛ «پس چون وقت آن برسد پیشوای دین مستقر و پابرجا گردد. پس نزد آن بزرگوار جمع می شوند؛ همان گونه که قطعه های ابر پاییزی به هم می پیوندند».

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۱۰۴. «هذا الخبر من أخبار الملاحم التي كان يخبر بها و هو يذكر فيه المهدي الذي يوجد عند أصحابنا في آخر الزمان و معنى قوله ضرب بدنه أقام و ثبت بعد اضطرابه و ذلك لأن يعسوب فحل النحل و سيدها و هو أكثر زمانه طائر بجناحه فإذا ضرب بدنه الأرض فقد أقام و ترك الطيران و الحركة. فإن قلت: فهذا يشبه مذهب الإمامية في أن المهدي خائف مستتر يتقل في الأرض و أنه يظهر آخر الزمان و ثبت و يقيم في دار ملكه، قلت: لا يبعد على مذهبنا أن يكون الإمام المهدي الذي يظهر في آخر الزمان مضطرب الأمر منتشر الملك في أول أمره لمصلحه يعلمها الله تعالى ثم بعد ذلك يثبت ملكه و تنظم أموره».

۴. مقصود از ملاحم، حوادث و اتفاقات مربوط به آینده است.

در این خبر از امام مهدی علیه السلام یاد می‌کند؛ کسی که نزد یاران ما (اهل تسنن) در آخرالزمان پدیدار می‌گردد. «ضرب بذبنه» یعنی بعد از حرکت و فعالیت، ایستاد و ثابت شد؛ زیرا یعسوب به زنبور نر و ملکه زنبورها گفته می‌شود که بیشتر در حال پرواز است و وقتی دم خود را بر زمین می‌گذارد که پرواز و حرکت را ترک کرده و ایستاده است. اگر گفته شود: «این سخن شبیه مذهب امامیه است که امام مهدی علیه السلام ترسان و مخفی در زمین حرکت می‌کند و در آخرالزمان ظهور می‌کند و در محل حکومتش ثابت و مقیم می‌شود»، گوئیم: «بر مذهب ما نیز بعید نیست امام مهدی علیه السلام که در آخرالزمان ظهور می‌کند، به دلیل مصلحتی که خدا می‌داند، اول کارش پریشان‌وضع و پراکنده‌قدرت باشد و بعد از آن، حکومتش ثابت و امورش منظم گردد».

شیخ طوسی از محدثان شیعه، همین مضمون را با تفصیل بیشتری از

طریق امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ كَانَ أَمِيرُ  
 الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ لَا يَزَالُ النَّاسُ يَنْقُصُونَ حَتَّى لَا يُقَالَ اللَّهُ فَإِذَا  
 كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعُسوبُ الدِّينِ بِدَنْبِهِ فَيَعْبَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ

۱. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۲۳۵: ابن اثیر می‌نویسد: یعسوب یعنی سید و رئیس و پیشوا، و اصل یعسوب به معنای زنبور نر است و از این کلمه است حدیث دیگر حضرت علی علیه السلام که ایشان فتنه‌ای را یاد کرد و فرمود: «وقتی آن اتفاق افتاد، بزرگ دین «ضرب بذبنه» یعنی از اهل فتنه جدا می‌شود و در زمین میان اهل دین و پیروانش کسانی که از نظر او پیروی می‌کنند و آنها اذنب (دنبال‌رو) هستند راه می‌رود». و زمخشری گفته است: «الضرب بالذنب در اینجا، مانند اقامت و ثبات است»؛ یعنی او و کسی که پیرو اوست، بر دین ثابت و استوار می‌شوند.



أَطْرَافِهَا وَيَجِيئُونَ فَرَعًا كَفَزَعَ الْخَرِيفُ<sup>۱</sup> وَاللَّهُ إِنِّي لِأَعْرِفُهُمْ وَ  
 أَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَقِبَائِلَهُمْ وَاسْمَ أَمِيرِهِمْ وَمُنَاحَ رِكَابِهِمْ وَهُمْ  
 قَوْمٌ يَحْمِلُهُمُ اللَّهُ كَيْفَ شَاءَ مِنْ الْقَبِيلَةِ الرَّجُلِ وَالرَّجُلَيْنِ حَتَّى بَلَغَ  
 تِسْعَةَ فِتَوَافُونَ مِنَ الْأَفَاقِ ثَلَاثِيئَةً وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ  
 بَدْرِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ  
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۲</sup> حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْتَبِي<sup>۳</sup> فَلَا يُحِلُّ حُبُوتَهُ حَتَّى  
 يُبَلِّغَهُ اللَّهُ ذَلِكَ.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمود: همیشه مردم [در  
 دینشان] نقصان و کمبود پیدا می کنند تا [زمانی که دیگر] الله گفته  
 نمی شود. هنگامی که چنین شد پیشوای دین استقرار یابد. پس خداوند  
 گروهی را از گوشه و کنار دنیا برمی انگیزد که همانند قطعه ابرهای  
 پاییز پراکنده می آیند. به خدا سوگند! من آنها را می شناسم و نام هایشان  
 را و قبیله و اسم رهبرشان و محل استقرار مرکب هایشان را می دانم. آنها  
 گروهی اند که خداوند هر طور بخواهد گردآوری می کند و از هر  
 قبیله ای یک یا دو مرد، تا نه مرد را جمع می کند. پس ۳۱۳ مرد به تعداد  
 اهل بدر از اطراف دنیا جمع می شوند. این همان سخن خداوند است که

۱. مصحح کتاب الغیبة می نویسد: «فَزَعَ» با دو فتحه، قطعه ای از ابر است. مفرد آن «قزعة»  
 است و گفته شده که تنها به پاییز اختصاص داده شده است؛ زیرا آن اول زمستان است و ابر  
 در آن موقع پراکنده و غیرمتراکم است و بر هم انباشته نیست. بعد از این زمان، قسمتی به  
 قسمت دیگر می پیوندد.

۲. البقرة: ۱۴۸.

۳. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۳۳۶: الاختیاء: هو أن یضمّ الإنسان رجلیه إلى بطنه  
 بثوب یجمعهما به مع ظهره و یشده علیها و قد یكون الاختیاء بالیدین عوض الثوب.

۴. الغیبة، کتاب الغیبة للحجة، شیخ طوسی، ص ۴۷۷.

فرمود: «هر کجا باشید، خداوند همگی شما را می آورد، خدا بر همه چیز تواناست». حتی اگر مردی پاهایش را به شکمش بسته باشد؛<sup>۱</sup> هنوز آن را باز نکرده، خداوند او را هم به سرعت به قیام حضرت می‌رساند. از این حدیث که شیعه و سنی از امیرمؤمنان نقل کرده‌اند، روشن می‌شود در آستانه ظهور، توحید و خداگویی کم‌رنگ می‌شود و دیگر کسی را نمی‌توان یافت که سخن از خدا بگوید.

ترسیم چنین وضعی از جهان، نزدیک زمان ظهور، می‌تواند دو پیام مهم و اساسی داشته باشد: پیام نخست، هشدار برای ما مسلمانان است که اگر در حمایت از دین الهی سستی کنیم، ممکن است بی‌دینی تا این میزان در جامعه پیشرفت کند که حتی سخنی هم از خدا گفته نشود. پس باید غفلت و سستی را کنار بگذاریم و برادرانه دست در دست هم به فکر حمایت و دفاع از اسلام باشیم و بدانیم که تفرقه، مهم‌ترین ابزار دشمن برای کوبیدن دین اسلام است.

پیام دوم، قوت قلبی برای مسلمانان است که با دیدن پیشرفت ظلم و بی‌دینی، امید خود را برای جهانی پر از عدالت و دینداری از دست ندهند و بدانند همه این حوادث تلخ و ناگوار را بزرگان دین پیشگویی کرده‌اند و امام مهدی علیه السلام در چنین فضای تاریک و سختی، قیام خود را آغاز خواهد نمود.

حاکم نیشابوری، اوضاع سخت آخرالزمان را از زبان امیرمؤمنان علیه السلام

چنین به تصویر کشیده است:

---

۱. احتیاء نوعی نشستن است که در آن فرد، پاهایش را به شکمش می‌چسباند و با لباسش آنها را به پشتش می‌بندد. گاهی هم به جای بستن با لباس، با دست‌هایش دور پاها را می‌گیرد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ  
عَنِ الْمَهْدِيِّ فَقَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ... ذَاكَ يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِذَا  
قَالَ الرَّجُلُ اللَّهُ اللَّهُ فُقُتِلَ...<sup>۱</sup>

جناب محمد بن حنفیه می گوید نزد حضرت علی علیه السلام بودیم. مردی از ایشان درباره امام مهدی علیه السلام سؤال کرد. امام علی علیه السلام فرمود: «او در آخر الزمان خروج می کند؛ هنگامی که اگر مردی بگوید الله الله، کشته می شود».

دکتر بستوی اعتبار سند حدیث را بررسی و ثابت کرده است.<sup>۲</sup> از این حدیث و احادیث مشابه آن معلوم می شود که در دوران نزدیک به قیام امام مهدی علیه السلام، مردم خداپرست، وضع بسیار دشواری خواهند داشت؛ به گونه ای که اگر نام خدا را بر زبان آورند، کشته می شوند. «نعمانی» از عالمان شیعه نیز از زبان امیرمؤمنان علیه السلام به وصف بیشتر این دوران پرداخته و چنین نقل کرده است:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بَيْنَ يَدَيَّ الْقَائِمِ علیه السلام مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أَبْيَضٍ  
وَ جَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ جَرَادٌ فِي غَيْرِ حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ  
فَبِالسَّيْفِ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونَ.<sup>۳</sup>

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: پیش از قیام قائم علیه السلام مرگ سرخ و مرگ سفید و

۱. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۹۶. حاکم می نویسد: «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى سَرَطِ الشَّيْخَيْنِ وَ لَمْ يُجْرَجْ»؛ «التعليق من تلخيص الذهبي» علی شرط البخاری و مسلم. «این حدیث با شرایط حدیث صحیح بخاری و مسلم مطابق است. ولی آن دو، این حدیث را ذکر نکرده اند». ذهبی نیز گفته است که بنا بر شرایط بخاری و مسلم حدیث صحیح است.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۲۰۸.

۳. الغيبة للنعمانی، ص ۲۷۷.

ملخی در فصل آن و ملخی در غیرفصلش، سرخ‌رنگ، همانند خون خواهد بود، و اما مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید، همان طاعون است.

همچنین امام صادق علیه السلام دوران نزدیک به قیام امام مهدی علیه السلام را با تفصیل بیشتری در قالب تفسیر یک آیه، چنین نقل می‌کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ إِنَّ قُدَّامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَ مَا هِيَ؟ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۱۵۵) قَالَ ﴿لَتَبْلُوَنَّكُمْ﴾ يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ﴾ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ ﴿وَ الْجُوعِ﴾ بِغَلَاءِ أَسْعَارِهِمْ ﴿وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ﴾ فَسَادِ التَّجَارَاتِ وَ قَلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا ﴿وَ الْأَنْفُسِ﴾ قَالَ مَوْتُ ذَرِيعٍ<sup>۱</sup> ﴿وَ الثَّمَرَاتِ﴾ قَلَّةِ رُبْعٍ مَا يُزْرَعُ وَ قَلَّةِ بَرَكَةِ الثَّمَارِ ﴿وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ﴾ عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾ (آل عمران: ۷).<sup>۲</sup>

«محمد بن مسلم» از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «همانا پیش از قیام قائم علیه السلام نشانه‌هایی است که آزمایشی از خداوند متعال برای بندگان با ایمان است». عرض کردم: «آن آزمایش چیست؟» فرمود: «همان فرمایش خدای عزوجل است که

۱. «الموت الذريع أي فاش أو سريع»؛ «مرگ ذریع، یعنی مرگ شایع یا سریع».

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۵۰.

می فرماید: ﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ «به یقین، همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوهها آزمایش می کنیم و بشارت ده به صابران». آن حضرت فرمود: «به یقین همه شما را آزمایش می کنیم»؛ یعنی مؤمنان را «با اموری همچون ترس» از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان، «و گرسنگی» با گرانی نرخهایشان، «و کاستی در مالها»؛ یعنی خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن، «و جانها»؛ یعنی مرگ زیاد و زود، «و میوهها»؛ یعنی کم شدن باروری آنچه کاشته می شود و کمبود برکت میوهها «و بشارت ده به صابران» در آن هنگام به خروج قائم عج. سپس به من فرمود: «ای محمد! این تأویل آن است. همانا خدای عزوجل می فرماید: و تأویل آن را جز خدا و پایداران در علم، کسی نمی داند».

هر چند در منابع روایی فریقین، احادیث فراوانی وجود دارد که اوصاف دقیق آن دوران را بیان کرده است،<sup>۱</sup> اما چون ما به دنبال بیان تفصیلی نیستیم، به همین مقدار بسنده می کنیم. مهم، فهم این مطلب است که احادیث فریقین، تصویر یکسانی از آن دوران را ارائه داده اند. از نکات درخور دقت در احادیث فریقین، فراوان شدن فریب و نیرنگ در این دوران است<sup>۲</sup> که نشان می دهد مؤمنان عصر قیام و

۱. ر.ک: کافی، ج ۸، ص ۳۶؛ المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۱۲۷.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۳۹: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ سَوَاتٌ خَدَاعَاتٌ يُبْصَدُّ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُكَذَّبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُؤْتَمَنُ فِيهَا الْخَائِنُ وَيُخَوَّنُ ←

آخر الزمان باید هوشیار و آگاه باشند تا فریب نیرنگ‌بازان را نخورند و به نام دین، در دام دشمنان دین گرفتار نیایند.

→ فِيهَا الْأَمِينُ وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ قِيلَ: وَمَا الرُّوَيْبِضَةُ؟ قَالَ: «الرَّجُلُ النَّافِهُ فِي أَمْرِ الْعَامَةِ»  
 [شرح محمدرضا عبدالباقی | اش - (سنوات خداعات) الخداع المكر والحيلة. وإضافة الخداعات إلى السنوات مجازية. والمراد أهل السنوات وقال في النهايه سنون خداعة أي تكثر فيها لأمطار و يقل الربيع فذلك خداعها لأنها تطعمهم في الخصب بالمطر ثم تخلف و قيل الخداعة القليلة المطر من خدع الرقيق إذا جف. (الروبيضة) تصغير رابضة و هو العاجز الذي يرض عن معالي الأمور و قعد عن طلبها و تاؤه للمبالغة. (في أمر العامة) متعلق به ينطق. ] أحكم الألباني [ صحیح؛ «پیامبر ﷺ فرمود: بر مردم سالیانی پرفریب خواهد آمد. دروغگو در آن سال‌ها تصدیق می‌شود و راستگو تکذیب می‌گردد. به خائن اعتماد می‌شود و امین خائن شمرده می‌شود و روبيضة در آن زمان سخن می‌گوید. گفته شد: روبيضة چیست؟ فرمود: مرد پست و حقیری که درباره جامعه و اجتماع سخن می‌گوید». محمد فؤاد عبدالباقی در شرح خود آورده است: «سنوات خداعات». خداع یعنی مکر و حيله و نسبت دادن خداعات به سالها مجاز است و منظور اهل آن سالها است و در کتاب نهایه گفته است: «سنون خداعه؛ یعنی باران در آن زیاد می‌شود و رشد و نمو کم می‌شود و این حيله آن است؛ زیرا آنها را با باران به طمع رویش فراوان می‌اندازد. سپس خلاف آن را انجام می‌دهد و نیز گفته شده خداعة یعنی کم باران، از خدع الرقيق (آب دهان) وقتی خشک شد». روبيضة تصغير (کوچک) رابضة است و او عاجز است؛ کسی که از کارهای مهم و ارزشمند عاجز است و به دنبال طلب آن نمی‌رود و تاء در آخر آن برای مبالغه است. تعبیر (در امر جامعه)، متعلق فعل ينطق است.

الغيبية نعماني، ص ۲۷۸: «عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ سِنِينَ خَدَاعَةً يَكْذِبُ فِيهَا الصَّادِقُ وَيُصَدِّقُ فِيهَا الْكَاذِبُ وَيُقَرِّبُ فِيهَا الْمَاجِلُ وَ فِي حَدِيثٍ وَيَنْطِقُ فِيهَا الرُّوَيْبِضَةُ فَقُلْتُ وَ مَا الرُّوَيْبِضَةُ وَ مَا الْمَاجِلُ قَالَ أَوْ مَا تَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ قَوْلَهُ (وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ) قَالَ يُرِيدُ الْمَكْرَ فَقُلْتُ وَ مَا الْمَاجِلُ قَالَ يُرِيدُ الْمَكَارَ»؛ [اصبغ بن نباته می‌گوید از حضرت علی علیه السلام شنیدیم که فرمود: نزدیک زمان ظهور قائم، سال‌های خدعه و نیرنگ است. راستگو در آن زمان تکذیب می‌شود و دروغگو تصدیق می‌گردد و ماحل تقرب می‌یابد و در حدیثی آمده و روبيضة در آن زمان سخن می‌گوید. عرض کردم: روبيضة و ماحل چیست؟ فرمود: آیا قرآن نمی‌خوانید که خداوند می‌فرماید: ﴿وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾. فرمود: منظور خداوند مکر و حيله است. عرض کردم: ماحل یعنی چه؟ فرمود: یعنی بسیار حيله‌گر».

## ۵. نشانه‌های قیام

پنجمین نقطه اشتراک احادیث شیعه و سنی در مباحث قیام امام مهدی علیه السلام، وقایع و اتفاقاتی است که قبل از قیام امام علیه السلام رخ می‌دهد. روایات سنی از این اتفاقات، معمولاً با واژه علامت یا نشانه تعبیر نکرده‌اند. بلکه تنها از وقوع این رخدادها قبل از قیام خبر داده‌اند. اما در احادیث شیعه به علامت بودن آنها برای قیام و خروج امام علیه السلام تصریح شده است؛ برای نمونه در روایتی، شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ الطَّحَّانِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ علیه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ... وَإِنَّ مِنْ عَلامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ صَبِيحَةَ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ.<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم می‌گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از قائم آل محمد علیه السلام پرسش کنم. امام باقر علیه السلام پیش از آنکه سؤال کنم، فرمود: ای محمد بن مسلم!... و از علامت‌های خروج او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و صبحه‌ای از آسمان در ماه رمضان و ندا دهنده‌ای که از آسمان به نام او و نام پدرش ندا می‌دهد.

در روایت دیگری که شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام نقل کرده، به حتمی و قطعی بودن این نشانه‌ها تصریح شده است:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۷.

عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُمَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ.<sup>۱</sup>

عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: قبل از قیام قائم عليه السلام، پنج نشانه حتمی وجود دارد: [خروج] یمانی و [خروج] سفیانی و صیحه و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن در بیداء.

البته احادیث سنی بحثی با عنوان اشراط الساعة (نشانه‌های قیامت) دارند و قیام امام مهدی عليه السلام را یکی از نشانه‌های قیامت می‌دانند.<sup>۲</sup> اما چنین نیست که برای قیام امام نیز نشانه‌هایی بیان کنند. به هر حال با مراجعه به روایات فریقین، روشن می‌شود که ائمه عليهم السلام، مسلمانان را از وقوع چنین حوادثی قبل از قیام امام مهدی عليه السلام آگاه کرده‌اند. بیشتر این رخدادهای و نشانه‌ها در احادیث شیعه و سنی مشترک است. در ادامه، سه مورد از این نشانه‌ها بیان می‌گردد:

### الف) پرچم‌های سیاه

یکی از رخدادهای مشترک میان فریقین که قبل از قیام امام مهدی عليه السلام واقع می‌شود و احادیث متعددی از شیعه و سنی به بیان آن پرداخته است، آمدن گروهی از مشرق (خراسان) با پرچم‌های سیاه است. ابن ماجه از عالمان برجسته اهل تسنن این واقعه را چنین نقل کرده است:

عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ كُلُّهُمْ

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰.

۲. شرح سنن أبی داوود للعباد، شماره ۴۸۲، ص ۱؛ شرح سنن أبی داوود [۴۸۲]، ظهور المهدی علامة من علامات الساعة.



ابْنُ خَلِيفَةَ ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَىٰ وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَطَّلَعُ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يُقْتَلْهُ قَوْمٌ ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ فَقَالَ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى السَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيُّ.<sup>۱</sup>

ثوبان نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: نزد گنج شما سه کس می جنگند که هر سه، پسر خلیفه هستند. سپس گنج به هیچ کدام از آنها نمی رسد. بعد پرچم های سیاه از سمت مشرق برآید و شما را بکشد؛ چنان کشتنی که به مانند آن، قومی کشته نشده باشند. بعد چیزی فرمود که آن را حفظ نکردم. بعد فرمود: پس هنگامی که او را دیدید، با او بیعت کنید؛ هرچند با خزیدن روی برف باشد؛ زیرا او خلیفه خدا مهدی علیه السلام است.

بستوی یازده منبع از منابع حدیثی اهل سنت که این حدیث را نقل کرده اند، معرفی کرده است.<sup>۲</sup> همچنین پاسخ کسانی که سند حدیث را ضعیف خوانده اند، داده و ضمن اثبات صحت سند حدیث، اسامی کسانی که سند این حدیث را صحیح می دانند، نقل کرده است.<sup>۳</sup> «ابن جوزی» نیز این مطلب را چنین ذکر کرده است:

---

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷. محمد فؤاد عبدالباقي در تعليق خود آورده است که در کتاب زوائد گفته است سند این حدیث، صحیح است و راویان آن ثقه اند. حاکم نیشابوری نیز در مستدرک، این حدیث را آورده و گفته است که حدیث بنا به شرط بخاری و مسلم صحیح است. محمد فؤاد نیز در شرح، درباره (کنزکم) می گوید که این کثیر گفته ظاهر این است که مراد از کنز، گنج کعبه است. آلبانی حکم به ضعیف بودن این حدیث کرده است.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، صص ۱۸۴-۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۹۱.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَقْبَلَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ فَأَتْتَوْهَا  
فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ [الله] الْمَهْدِيَّ.<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که پرچم‌های سیاه از سوی خراسان  
روی آورد، به آنها بیوندید؛ زیرا خلیفه [خدا] مهدی عجل الله فرجه میان  
آنهاست.

هرچند ابن جوزی این روایت را در کتاب «الموضوعات» آورده  
است، اما بستوی که از محققان اهل سنت است، سند این حدیث را  
بررسی کرده و اعتبارش را ثابت می‌کند.<sup>۳</sup>  
در منابع حدیثی شیعه نیز مرحوم نعمانی، این واقعه را نقل کرده  
است و چنین می‌آورد:

عَنْ دَاوُدَ الدَّجَاجِيِّ<sup>۴</sup> عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ  
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾<sup>۵</sup>  
فَقَالَ انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثِ فَقِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا هُنَّ فَقَالَ  
اِخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَ الْفَرْعَةُ  
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ...<sup>۶</sup>

---

۱. در نسخه چاپ شده، متن عبارت بدین گونه است: «فان فيها خليفة المهدي» که خطا و  
اشتباه است.

۲. الموضوعات لابن الجوزي، ج ۲، ص ۳۸.

۳. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۱۶۱.

۴. محقق کتاب الغيبة نعمانی می‌گوید: وی «داوود بن ابی داوود دجاجی» است که در کتاب  
«منهج المقال» استرآبادی عنوان شده است از اصحاب امام باقر عليه السلام است و «معمر بن یحیی  
عجلی کوفی» از وی روایت می‌کند. او نزد ابو داوود و علامه و نجاشی ثقة است.

۵. مریم: ۳۷.

۶. الغيبة، نعمانی، ص ۲۵۲.

## فصل دوم: قیام امام مهدی علیه السلام ۵۱

«داوود دجاجی» از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال شد درباره فرمایش خدای تعالی: ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابَ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾ «گروه‌هایی از میان آنها اختلاف کردند»، فرمود: «از پدید آمدن سه چیز، منتظر فرج باشید». گفته شد: «ای امیرمؤمنان آنها کدام‌اند؟» فرمود: «اختلاف اهل شام در میان خود، ظاهر شدن [پرچم‌های سیاه از خراسان و وحشتی در ماه رمضان]».

شیخ طوسی از علمای شیعه نیز این جریان را با تفصیل بیشتری نقل کرده است:

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ علیه السلام بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: پرچم‌های سیاه فرو آیند تا از خراسان به سمت کوفه خروج کنند. هنگامی که امام مهدی علیه السلام ظهور کرد، برای بیعت به سوی ایشان به پا خیزند.

تذکر مطلبی مهم درباره پرچم‌های سیاه، ضروری است. برخی گمان کرده‌اند منظور از پرچم‌های سیاه، قیام ابومسلم خراسانی و برپایی حکومت بنی عباس است و ربطی به نشانه‌های خروج امام مهدی علیه السلام ندارد؛ درحالی‌که این تصور، گمان باطلی است و حتی اهل سنت نیز در شرح این احادیث، این احتمال را رد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. الغيبة، شیخ طوسی، ص ۴۵۲.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۱۹۲. این‌کثیر می‌گوید: این پرچم‌ها، پرچم‌هایی نیستند که ابومسلم خراسانی با آنها آمد و در سال ۱۳۲ هـ ق دولت بنی‌امیه را ←

(ب) خسف بیدا<sup>۱</sup>

رخداد مهم دیگری که روایات متعددی از فریقین به آن اشاره کرده‌اند، جریان فرو رفتن سرزمین بیدا، کنار شهر مدینه منوره است که موجب از بین رفتن یکی از سپاه‌های مجهز دشمن می‌شود. «سفیانی» پس از تصرف شام، دو سپاه عظیم برای مبارزه با امام مهدی (عج) آماده می‌کند. یکی را به کوفه و دیگری را به مدینه می‌فرستد. سپاهی که راهی مدینه می‌شود پس از غارت و ویران کردن مدینه، قصد حرکت به مکه مکرمه را دارد و این در زمانی است که امام مهدی (عج) در مکه حضور دارد. وقتی سپاه دشمن بعد از خروج از مدینه به سرزمین بیدا می‌رسد،

→ با آن ناپود کرد. بلکه پرچم‌های سیاه دیگری است که همراه حضرت مهدی می‌آید و او محمد بن عبدالله علوی، فاطمی، حسنی (علیه السلام) است. برخی از دانشمندان گمان کرده‌اند این حدیث برای عباسیان جعل شده است تا اشاره به لباس سیاه آنها باشد. از این رو شروع کرده‌اند به بدگویی از عبدالرزاق؛ درحالی که این گمان، صحیح نیست. عبدالرزاق نزد محدثان، ثقه است و روایت کسی که قبل از اختلاط عبدالرزاق از وی حدیث شنیده است، صحیح است. در ضمن حدیث تنها از عبدالرزاق نیست. بلکه عبدالرزاق اصلاً در روایت احمد و حاکم و روایت دوم بی‌هیکی وجود ندارد. از چیزهایی که بر بطلان این گمان دلالت می‌کند، این است که ما در تاریخ قبل از عصر عباسیان کسی را یافتیم که ادعا می‌کرد صاحب پرچم‌های سیاه است. نام وی «حارث بن سربج» است. در مقدمه کتاب گذشت که وی ادعا می‌کرد صاحب پرچم‌های سیاه است و در سال ۱۲۸ هـ. ق در عصر مروان حمار، خلیفه اموی کشته شد.

این جریان نشان می‌دهد که این حدیث پیش از عصر عباسیان معروف بوده است و شاید عباسیان، سیاه را برای خود انتخاب کردند تا این حدیث را بر خود تطبیق دهند. خدا می‌داند. البته معنای این حدیث این نیست که هر پرچم سیاهی از طرف خراسان خارج شد، باید با آن بیعت کرد. بلکه باید نشانه‌های دیگر نیز که دلالت بر حضرت مهدی کند، وجود داشته باشد؛ همان‌گونه که در خاتمه کتاب خواهد آمد. به همین دلیل، سفیان ثوری گفته است: «اگر مهدی از کنار تو گذشت و تو در خانه بودی، به سوی او خارج نشو تا مردم جمع شوند».

۱. خسف به معنای فرو رفتن و «بیدا» نام منطقه‌ای اطراف مدینه است.

به امر الهی به گونه‌ای معجزه‌آسا زمین بیدا فرو می‌رود و سپاه سفیانی را با خود به درون زمین می‌کشد و به این صورت، سپاه بزرگی که کسی را یارای مقابله با آن نبود، به غضب الهی گرفتار می‌شود و از بین می‌رود. از این اتفاق بزرگ در احادیث شیعه و سنی به «خسف بیدا» تعبیر شده است که یکی از نشانه‌های قطعی قبل از خروج امام مهدی عجل الله فرجه است. مسلم نیشابوری در کتاب صحیح خود در این باره چنین آورده است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقُبَيْطِيِّ قَالَ دَخَلَ الْحَارِثُ بْنُ أَبِي رَبِيعَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنُ صَفْوَانَ وَ أَنَا مَعَهُمَا عَلَى أُمَّ سَلَمَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ فَسَأَلَاهَا عَنِ الْجَيْشِ الَّذِي يُخْسَفُ بِهِ وَ كَانَ ذَلِكَ فِي أَيَّامِ ابْنِ الزُّبَيْرِ فَقَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَعُودُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ فَإِذَا كَانُوا بَيْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِهِمْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ بَمَنْ كَانَ كَارَهَا قَالَ يُخْسَفُ بِهِ مَعَهُمْ وَ لَكِنَّهُ يَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَبِيِّهِ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ هِيَ بَيْدَاءُ الْمَدِينَةِ.<sup>۱</sup>

۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۸: در شرح محمد فؤاد عبدالباقی برای عبارت «أم سلمه ام المؤمنین» آمده است که «قاضی عیاض» از «ابو الولید کتانی» نقل کرده است که این مطلب، صحیح نیست؛ زیرا ام سلمه در دوران خلافت معاویه و دو سال پیش از مرگ معاویه در سال ۹۵ از دنیا رفته بود و [خلافت] ابن زبیر را ندیده بود. قاضی می‌گوید: گفته شده ام سلمه در اوایل خلافت یزید بن معاویه از دنیا رفته است. بنابر این قول، این مطلب درست خواهد بود؛ زیرا ابن زبیر در همان اول که بعد از مرگ معاویه خبر بیعت به او رسید، با یزید وارد نزاع شد. این مطلب را طبری و دیگران نقل کرده‌اند. از کسانی که رحلت ام سلمه را در دوران [خلافت] یزید ذکر کرده است، «ابوعمر بن عبدالبر» در استیعاب است. مسلم، حدیث را بعد از این روایت، از روایت حفصه نقل می‌کند و می‌گوید از ام المؤمنین و نام وی را نمی‌برد. «دارقطنی» می‌گوید وی عایشه است و «سالم ابن ابی الجعد» از «حفصه» یا ام سلمه آن را نقل کرده است و گفته حدیث از ام سلمه و از حفصه محفوظ است. این پایان کلام قاضی است.

«عبداللّه» می گوید: حارث بن ابی ربیععه و عبدالله بن صفوان در ایام [خلافت] ابن زبیر از ام المؤمنین ام سلمه درباره سپاهی که به زمین فرو می رود، سؤال کردند. ایشان گفت که پیامبر ﷺ فرمود: «پناهنده‌ای به خانه خدا پناه می برد. پس به سوی او برانگیخته‌ای، برانگیخته می شود. پس هنگامی که به سرزمین بیداء، می رسند، فرو برده می شوند». گفتیم: «یا رسول الله ﷺ [این حادثه] چگونه خواهد بود درباره کسی که ناراضی است؟» فرمود: «با آنها فرو برده می شود. اما روز قیامت بر نیت خود برانگیخته می شود» و ابو جعفر گفت: «آن بیدای مدینه است».

بخاری در نقل دیگری در کتاب صحیح خود که معتبرترین منبع حدیثی اهل سنت است، چنین آورده است:

عَنْ نَافِعِ بْنِ جَبْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَغْزَوُ جَيْشُ الْكَعْبَةِ فَإِذَا كَانُوا بِبِدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ يُخَسَفُ بِأَوْلِهِمْ وَآخِرِهِمْ قَالَتْ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ يُخَسَفُ بِأَوْلِهِمْ وَآخِرِهِمْ وَفِيهِمْ أَسْوَأُهُمْ وَمَنْ لَيْسَ مِنْهُمْ قَالَ يُخَسَفُ بِأَوْلِهِمْ وَآخِرِهِمْ ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ.<sup>۱</sup>

از کسانی که وفات ام سلمه را در دوران یزید ذکر کرده‌اند، «ابوبکر بن ابی خیثمه» است. در شرح «بیداء المدینه» آورده است: «دانشمندان گفته‌اند بیدا هر زمین صافی که چیزی در آن نباشد است و بیدای مدینه بلندی قبل از ذوالحلیفه است؛ یعنی به طرف مکه».

۱. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۵: «تعلیق مصطفی البغا»: «(بیداء) الصحراء التي لا شيء فيها. (يخسف) تغور بهم الأرض. (أسواقهم) أهل أسواقهم الذين يبيعون ويشتررون ولم يقصدوا الغزو. (يبعثون) يوم القيامة. (على نياتهم) يحاسب كل منهم بحسب قصده»؛ «در تعلیق مصطفی البغا آمده است: بیداء یعنی صحرایی که چیزی در آن نیست. یخسف، یعنی زمین، آنها را فرو می برد. منظور از اسواقهم، اهل اسواقهم است؛ یعنی کسانی که خرید و فروش می کنند و قصد جنگ نکرده‌اند. برانگیخته می شوند؛ یعنی در قیامت. بر نیت‌هایشان؛ یعنی هر یک از آنها به حسب قصد و نیت خویش حساب و کتاب می شود».

عایشه می گوید که پیامبر ص فرمود: سپاهی با کعبه می جنگند. پس هنگامی که به سرزمین بیداء می رسند، اول و آخرشان فرو برده می شوند. عایشه می گوید گفتم: «یا رسول الله چگونه اول و آخرشان فرو برده می شوند؛ درحالی که میان آنان بازاریان (کسانی که برای تجارت آمده اند، نه جنگیدن) و کسانی که از آنان نیستند وجود دارد؟» فرمود: «اول و آخرشان فرو برده می شود. سپس بر نیت هایشان برانگیخته می شوند.»

دکتر بستوی می نویسد بعد از نقل مسلم و بخاری، شکی در صحت سند این حدیث نیست. اما دلیل روشنی در دست نیست که این جریان مربوط به دوران ظهور و دشمن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۳۳۹. نویسنده کتاب می نویسد: بعد از اتفاق مسلم و بخاری در نقل این حدیث و نقل آن با سندهای فراوان از امامان حدیث، دیگر به بحث از روایان حدیث نیازی نیست؛ زیرا شکی در صحت حدیث باقی نمانده است. اما بحث در این است که ربط آن به احادیث مهدویت چیست؟ وقتی به متن حدیث نگاه می کنیم در نگاه ابتدایی ربطی به حضرت مهدی نمی یابیم. اما امام ابو داود این حدیث را در باب مهدی آورده است. ابن حبان در کتاب صحیح خود، حدیثی از اسلمه نقل کرده است که شامل جریان سپاه خسف است و عنوان این حدیث را چنین قرار داده است: ذکر خبر صریح در اینکه گروهی که در زمین فرو می روند کسانی اند که قصد حضرت مهدی را کرده اند تا حکومت را از ایشان بگیرند. با نگاه به متن حدیث گمان آنچه ابن حبان گفته، تقویت می شود؛ زیرا شامل برخی قرینه ها و اوصافی است که مربوط به حضرت مهدی است؛ مانند هفت سال باقی ماندن و زنده کردن شریعت اسلام و قرائن دیگر.

اما سند آن حدیث، ضعیف است. بنابراین نمی توان به آن اعتماد کرد. از این رو ندیدیم امامان دیگر، این حدیث را بر مهدی حمل کنند و آن را در باب مهدی بیاورند. در آنجا اقوال دیگری در تعیین آن سپاه وجود دارد. «حافظ ابن حجر» در «فتح الباری» گفته است: «و ابن القین می گوید ممکن است این سپاهی که در زمین فرو می رود کسانی باشند که کعبه را تخریب می کنند. از آنها انتقام گرفته می شود. بنابراین در زمین فرو برده می شوند» و ادامه داده با این مطلب که در برخی از نقل های مسلم آمده است: «مردمی از امت ←

چنان‌که ملاحظه می‌شود خلاصه این واقعه مهم در کتاب‌های اهل تسنن آمده است. اما همین جریان به صورت تفصیلی، در روایات شیعه نقل گردیده و تصریح شده است که خسف برای گروهی رخ خواهد داد که به جنگ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌روند. بنابراین در نقل‌های شیعه شکی وجود ندارد که این واقعه مربوط به دوران قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

نعمانی محدث شیعه، در کتاب حدیثی خویش چنین نقل می‌کند:

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجَعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عليه السلام يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحْرِكْ يَدًا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتِ أَذْكَرْهَا لَكَ إِنَّ أَذْرَ كَتَمَهَا أَوْ هَا اخْتِلَافَ بَنِي الْعَبَّاسِ وَمَا أَرَاكَ تُدْرِكُ ذَلِكَ وَلَكِنْ حَدَّثَ بِهِ مَنْ بَعْدِي عَنِّي... فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَحْرَبُ أَرْضُ الشَّامِ ثُمَّ يَحْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَايَةَ

→ من؛ درحالی‌که کسانی که کعبه را منهدم می‌کنند، از کفار حبشه هستند. همچنین مقتضای کلام ایشان این است که آنها بعد از تخریب کعبه و در برگشت، در زمین فرو می‌روند؛ درحالی‌که ظاهر حدیث این است که آنها فرو برده می‌شوند قبل از آنکه به کعبه برسند. امام بخاری در باب هدم کعبه گفته است: «عایشه می‌گوید که پیامبر فرمود: می‌جنگند سپاه کعبه. پس در زمین فرو برده می‌شوند». در آن باب، حدیثی را نقل کرده است که کعبه را «ذوالسویقین» از حبشه خراب می‌کند. ابن حجر در شرح آن گفته است در این حدیث اشاره است به اینکه جنگ کعبه واقع خواهد شد. یکبار خداوند آنها را قبل از رسیدن به کعبه هلاک می‌کند و بار دیگر اجازه می‌دهد تا تخریب کنند و ظاهر این است که جنگی که در آن، کعبه را تخریب می‌کنند، جنگ دومی است. بنابراین دلیل صحیح و صریحی نمی‌یابیم که سپاهی که فرو برده می‌شود، سپاهی باشد که برای جنگ با حضرت مهدی خروج می‌کند. اما در عین حال، توان نفی آن را نیز نداریم. بنابراین ممکن است این حدیث را در باب‌های حضرت مهدی نقل کنیم و شاید این همان چیزی است که نزد امام ابوداود برتری یافته است و خداوند داناتر است.

۱. در برخی نسخه‌ها آمده «فأول أرض المغرب أرض الشام». این حدیث را عیاشی در تفسیرش نقل کرده و در آنجا چنین است: «أول أرض المغرب تحرب أرض الشام». در کتاب اختصاص شیخ مفید نیز همین گونه است.



الْأَصْهَبِ وَرَايَةَ الْأَبْقَعِ وَرَايَةَ السُّفْيَانِي فَيَلْتَقِي السُّفْيَانِي بِالْأَبْقَعِ  
 فَيَقْتُلُونُ فَيَقْتُلُهُ السُّفْيَانِي وَمَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَصْهَبَ... وَيَبْعَثُ  
 السُّفْيَانِي بَعْثًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْقُرُ الْمَهْدِيَّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ  
 السُّفْيَانِي أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشًا عَلَى أَنْتَرِهِ فَلَا  
 يُدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ  
 عِمْرَانَ عليه السلام قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِي الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مَنِ  
 السَّاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيُخَسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ  
 نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهُهُمْ إِلَى أَفْفَيْتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كُلِّ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ  
 هَذِهِ الْآيَةُ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا  
 مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْظِمَ وُجُوهاً فَتَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا﴾

(النساء: ۴۷) الآية ۲.

جابر بن یزید جعفری می گوید که امام باقر فرمود: «ای جابر! بر  
 زمین بنشین (خانه نشین باش) و دست و پای نجبان (فعالیتی نکن)  
 تا نشانه هایی را که برایت یاد می کنم، ببینی. اگر بدان برسی (اگر  
 عمرت به درازا بکشد و بتوانی آن علائم را ببینی) نخستین آنها  
 اختلاف بنی عباس است و گمان نمی کنم که آن را دریابی [پیش از  
 این اتفاق از دنیا می روی]. ولی پس از من، آن را از من روایت  
 کن... پس نخستین سرزمینی که ویران می شود، سرزمین شام است.  
 سپس در آن هنگام بین آنان اختلاف می افتد و سه پرچم می گردند:  
 پرچم أصهب و پرچم أبقع و پرچم سفیانی. پس سفیانی با ابقع  
 برخورد می کند و به جنگ می پردازند و سفیانی او و هر کس را که

۱. أباده أي أهلكه، و فی نسخة «یا بیداء بیدی القوم».

۲. الغيبة نعمانی، ص ۲۷۹.

از او پیروی کند، می‌کشد. سپس اُصهب را می‌کشد... و سفیانی گروهی را به مدینه روانه می‌کند و مهدی علیه السلام از آنجا به مکه رهسپار می‌شود. پس خبر به فرمانده سپاه سفیانی می‌رسد که مهدی علیه السلام به جانب مکه بیرون شده است. پس لشکری از پی او روانه می‌کند. ولی او را نمی‌یابد؛ تا اینکه مهدی علیه السلام با حالت ترس و نگرانی همانند روشی که موسی بن عمران داشت، داخل مکه می‌شود. آن حضرت فرمود: فرمانده سپاه سفیانی در «بیداء» فرو می‌رود. پس آوازدهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «ای بیداء! آن قوم را نابود ساز». پس دشت، آنان را به درون خود می‌برد و هیچ‌یک از آنان نجات نمی‌یابد؛ مگر سه نفر که خداوند رویشان را به پشت آنان برمی‌گرداند و آنان از قبیله کلب هستند و این آیه درباره آنان نازل شده است: «ای کسانی که کتاب آسمانی به شما داده شده! به آنچه [بر پیامبر خود] نازل کردیم (قرآن) و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست، ایمان بیاورید؛ پیش از آنکه صورت [انسانی] گروهی را محو کنیم. سپس به پشت سر بازگردانیم» تا آخر آیه.

چنان‌که ملاحظه می‌شود جریان خسف بیداء (فرو رفتن سرزمین بیداء) واقعه‌ای است که احادیث شیعه و سنی آن را بیان کرده‌اند و در وقوع آن برای دشمنان امام مهدی علیه السلام اتفاق نظر دارند.

### ج) قتل نفس زکیه

سومین رخدادی را که در بحث از نشانه‌ها و وقایع قبل از قیام امام مهدی علیه السلام جزء مشترکات روایات شیعه و سنی می‌توان شمرد، «قتل نفس زکیه»<sup>۱</sup> است. «ابن ابی شیبه» از نویسندگان اولیه احادیث اهل تسنن چنین نقل می‌کند:

۱. زکیه به معنای پاک و بی‌گناه است؛ یعنی کشته شدن فردی پاک و بی‌گناه.

حَدَّثَنِي فَلَانٌ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ لَا يُخْرَجُ حَتَّى تُقْتَلَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ فَإِذَا قُتِلَتِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ غَضِبَ عَلَيْهِمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ فَآتَى النَّاسَ الْمَهْدِيُّ فَرْفُوهُ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى زَوْجِهَا لَيْلَةَ عُرْسِهَا وَهُوَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا...<sup>۱</sup>

یکی از اصحاب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای من روایت کرد: امام مهدی علیه السلام خروج نمی کند تا آنکه نفس زکیه کشته شود. هنگامی که نفس زکیه کشته شد، هر که در آسمان و زمین است بر آنان خشم می گیرد. پس امام مهدی علیه السلام به سوی مردم می آید و مردم او را همراهی می کنند؛ همان گونه که عروس در شب عروسی به سمت همسرش همراهی می شود، و او زمین را از عدل و داد پر می نماید.

دکتر بستوی اعتبار سند این نقل را نزد اهل تسنن ثابت کرده است.<sup>۲</sup> اما برخی از نویسندگان اهل سنت گمان کرده اند که این نقل، اعتبار ندارد و حدیث نفس زکیه را گروهی از هاشمی ها جعل کرده اند.<sup>۳</sup> اما دکتر

۱. مصنف ابن اَبی شیبَة، ج ۷، ص ۵۱۴.

۲. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۲۱۴. وی می نویسد: هر چند این نقل از برخی صحابه به صورت مرسل (بدون استناد به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) نقل شده است، اما تصریح کرده که حدیث است. [نشان می دهد از پیامبر شنیده است]. سند حدیث، صحیح است. راویان همه ثقة اند و مجاهد در اینجا تصریح به اسم صحابی نکرده است. اما وی از گروهی از صحابه شنیده است.

۳. سلسله الأحادیث الضعیفة و الموضوعة و أثرها السیئ فی الأمة، آلبانی، ج ۵، ص ۱۷۷. آلبانی می نویسد: نفس زکیه لقب «محمد بن عبدالله بن حسن هاشمی» است. گفته شده اهل بیت وی، او را مهدی نامیدند. بعید نیست این حدیث، جعل برخی از پیروان و یاران او باشد؛ وقتی که او زنده بود تا دشمنانش را بترسانند یا بعد از مرگ وی. ابوجعفر منصور او را کشت؛ وقتی علیه او در مدینه خروج کرد. وی عیسی بن موسی را فرستاد و وی را کشت. خدا رحمتش کند و با ظالمان چنان که استحقاق آن را دارند برخورد کند.

بستوی، پاسخ این اشکال را می‌دهد و معتقد به نشانه قیام بودن آن است و می‌نویسد شاید وجود همین حدیث باعث شده است تا آن گروه، نام نفس زکیه را برای رهبر خود برگزینند.<sup>۱</sup>

در احادیث شیعه، اطلاعات بیشتری از قتل نفس زکیه وجود دارد: نخست اینکه این رخداد، بسیار نزدیک به زمان قیام امام مهدی علیه السلام است. شیخ صدوق از نویسندگان بزرگ شیعه در این باره نقل می‌کند:

... عَنْ صَالِحِ مَوْلَى بَنِي الْعَدْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ  
الصَّادِقَ عليه السلام يَقُولُ لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ  
الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً.<sup>۲</sup>

صالح مولى بن عدراء می‌گوید از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

---

۱. المهدى المنتظر فى ضوء الأحاديث و الآثار الصحيحة، ص ۲۱۴. نویسنده می‌نویسد: برزنجی می‌گوید: این نفس زکیه غیر از نفس زکیه‌ای است که در زمان منصور عباسی به دست موسی بن عیسی عموی منصور کشته شد. گویم شاید این لقب به او داده شد به دلیل نقل این کلمه در این حدیث؛ همان‌گونه که ملقب به مهدی شد به آرزوی اینکه او شود همان کسی که به او بشارت داده شده است و ظاهر این است که این کلمه در این حدیث، به معنای لغوی آن وارد شده است و شخص خاصی قصد نشده است؛ همان‌گونه که خداوند در سوره کهف می‌فرماید: «گفت آیا شخص بی‌گناهی را کشتی بدون آنکه کسی را کشته باشد»؟

این معنا موافق می‌شود با احادیث دیگری که دلالت می‌کند بر اینکه ظهور حضرت مهدی بعد از پر شدن زمین از ظلم و ستم واقع می‌شود و هماهنگ می‌شود با حدیث حضرت علی عليه السلام که پیش از این گذشت که حضرت مهدی در آخرالزمان خروج می‌کند؛ وقتی که مرد می‌گوید الله الله، کشته می‌شود؛ یعنی در آن روزگار، خشونت خاصی علیه مؤمنان خواهد بود؛ همان‌گونه که پیامبر فرمود: «بر مردم زمانی می‌آید که صبرکننده بر دینش، همانند کسی است که زغال فروخته را در کف دست گرفته است».

## فصل دوم: قیام امام مهدی علیه السلام ۶۱

میان قیام قائم آل محمد علیهم السلام و کشته شدن نفس زکیه، فاصله‌ای نیست مگر پانزده شب.

دوم اینکه نفس زکیه جوانی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و نامش «محمد بن حسن» است. محل شهادتش نیز در مسجدالحرام است. شیخ صدوق در روایتی دیگر چنین نقل می‌کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عليه السلام يَقُولُ الْقَائِمُ مِنَّا... قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا... وَقَتْلُ غُلامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ.<sup>۱</sup>

محمد بن مسلم ثقفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: قائم علیه السلام از ماست... عرض کردم ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله چه زمان قائم شما خروج می‌کند؟ فرمود: زمانی که... و کشته شدن جوانی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله میان رکن و مقام که نامش محمد بن حسن نفس زکیه است.

سوم آنکه نفس زکیه از یاران امام مهدی علیه السلام و فرستاده ایشان به سوی اهل مکه است که به دست مکیان شهید می‌شود.

«نیلی نجفی» از نویسندگان شیعه در این باره چنین نقل می‌کند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ إِلَى أَنْ قَالَ يَقُولُ الْقَائِمُ عليه السلام لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنِي وَ لَكِنِّي مُرْسَلٌ إِلَيْهِمْ لِأَحْتِجَّ عَلَيْهِمْ بِمَا يَنْبَغِي لِشَيْئِي أَنْ يَحْتَجَّ عَلَيْهِمْ فَيَدْعُوا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

فُلَانٍ إِلَيْكُمْ وَ هُوَ يَقُولُ لَكُمْ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الرَّسَالَةِ وَ  
 الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سَلَالَةُ النَّبِيِّنَ وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ  
 اضْطَهَدْنَا وَ قَهَرْنَا وَ ابْتَزَّ مِنَّا حَقَّنَا مُنْذُ قَبْضِ نَبِيِّنَا إِلَى يَوْمِنَا هَذَا  
 فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُكُمْ فَانصُرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتَوْا  
 إِلَيْهِ فَدَبَّحُوهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِيَ النَّفْسُ الرَّكِيَّةُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ  
 الْإِمَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أَخْبَرْتُكُمْ أَنَّ أَهْلَ مَكَّةَ لَا يُرِيدُونَنَا... ۱

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: امام قائم علیه السلام به یاران  
 می فرماید: ای قوم! اهل مکه مرا نمی خواهند. اما من به سوی آنان  
 می فرستم تا بر آنان احتجاج کنم به چیزی که برای همانند من سزاوار  
 است بر آنان احتجاج کند. پس مردی از یاران خود را می خواند و به او  
 می گوید: «به سوی اهل مکه برو و بگو ای اهل مکه! من فرستاده فلاسی  
 به سوی شما می ام و او به شما می گوید ما اهل بیت رحمت، کانون رسالت  
 و خلافتیم و ما فرزند محمد صلی الله علیه و آله و نسل پیامبریم که به ما ظلم و قهر و  
 خشم شده است و از هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت تا به امروز،  
 حق ما از ما گرفته شد. پس از شما یاری می طلبیم که ما را یاری کنید.  
 هنگامی که جوان این سخن را می گوید، اهل مکه به سراغ او می آیند و  
 میان رکن و مقام، سر او را از تنش جدا می کنند و او نفس زکیه است.  
 وقتی خبر این حادثه دلخراش به امام علیه السلام می رسد، به یاران خود  
 می فرماید: آیا به شما خبر ندادم اهل مکه ما را نمی خواهند...».

نکته درخور توجه آن است که در روایت اهل سنت، به کشته شدن  
 نفس زکیه به دست اهل مکه تصریح نشده است؛ هرچند در برخی

نقل‌های آنها همین مطالب آمده است.<sup>۱</sup> اما در منبع شیعی تصریح شده است که وی فرستاده امام می‌باشد و اهل مکه به جای فرمانبرداری، وی را می‌کشند.

## ۶. یاران قیام

ششمین مورد مشترک احادیث فریقین در این فصل، موضوع یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است. شناخت ویژگی یاران امام، بسیار پراهمیت است؛ زیرا بار انقلاب جهانی امام عجل الله تعالی فرجه بر دوش آنان است و هرکس بخواهد خود را برای یاری امام آماده نماید، باید در اوصاف و حالات آنان دقت کند و سختی میان خود و آنها ایجاد نماید. ما در اینجا به چند نکته درباره یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اشاره می‌کنیم:

### الف) تعداد یاران

براساس احادیث شیعه و سنی، تعداد یاران امام، به تعداد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر است؛ جنگی که بسیار سخت و سرنوشت ساز بود. بی شک جنگ بدر، نشانگر رشادت وصف‌ناپذیر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در دفاع از حریم دین است. همچنین براساس برخی روایات، تعداد یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، به تعداد یاران حضرت طالوت است؛ کسانی که در راه جنگ با جالوت، امتحانی سخت را کنار رودخانه پشت سر

---

۱. الفتن، نعیم بن حماد، ج ۱، ص ۳۳۹: «عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: إِذَا قُتِلَ النَّفْسُ الرَّكِيَّةُ وَ أَخُوهُ يُقْتَلُ بِمَكَّةَ صَبِيْعَةَ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ أَمِيرَكُمْ فُلَانٌ، وَ ذَلِكَ الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ حَقًّا وَ عَدْلًا»؛ «عمار یاسر می‌گوید: هنگامی که نفس زکیه و برادرش کشته شوند، در مکه بی‌کس کشته می‌شود؛ منادی از آسمان ندا می‌دهد: همانا امیر شما فلانی است و آن حضرت مهدی است که زمین را پر از حق و عدل می‌کند».

حاکم نیشابوری از محدثان اهل تسنن چنین آورده است:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ  
عَنِ الْمُهَدِيِّ فَقَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا  
فَزَعَا<sup>۲</sup> كَقَزَعِ السَّحَابِ يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى  
أَحَدٍ<sup>۳</sup> وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ لَمْ  
يَسْبِقْهُمْ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ وَعَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ  
طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ.<sup>۴</sup>

۱. «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ...» (و هنگامی که طالوت، سپاهیان را با خود بیرون برد، ابه آنها] گفت: خداوند شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می‌کند. آنها که از آن بنوشند، از من نیستند و آنها که بیشتر از یک پیمانه با دست خود، از آن نخوردند، از من هستند. همگی جز عده کمی، از آن نوشیدند...». (بقره: ۲۴۹)

۲. قزعه به فتح قاف و زاء و عین مثل شجره، یعنی ابر پراکنده. قسمتی از ابر رقیق، مثل اینکه سایه است وقتی از زیر ابر زیاد می‌گذرد و بیشتر در پاییز وجود دارد. هر چیز پراکنده را قزعه گویند. (گردآوری شده از چند لغت‌نامه).

۳. در کتاب‌های لغت معنای واژه استوحش وقتی با «الی» به‌کار می‌رود، بیان نشده است. اما در بیان معنای واژه «عری الی» از آن استفاده شده که می‌توان معنای این ترکیب را از آنجا دریافت. لسان‌العرب، ج ۱۵، ص ۵۱: (ماده عرا): وَ عَرِيٍّ إِلَى السِّيَاءِ عَرَوْا: بَاعَهُ ثُمَّ اسْتَوْحَشَ إِلَيْهِ. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: يُقَالُ عَرِيْتُ إِلَى مَالٍ لِي أَشَدَّ الْعُرْوَاءِ إِذَا بَعْتَهُ ثُمَّ تَبِعْتَهُ نَفْسُكَ وَ عَرِيٌّ هَوَاهُ إِلَى كَذَا أَيْ حَنَّ إِلَيْهِ. از این عبارت می‌توان استفاده کرد که معنای «لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ»؛ یعنی از نبود کسی، احساس تنهایی نمی‌کنند. دلشان هوای کسی را نمی‌کند. دل بستگی به کسی ندارند.

۴. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۹۶. این حدیثی صحیح است بنا بر شرط شیخین؛ درحالی که آن دو، آن را نقل نکرده‌اند. ذهبی گوید بنا به شرط بخاری و مسلم صحیح است.



محمد بن حنفیه می گوید نزد حضرت علی رضی الله عنه بودیم که مردی درباره امام مهدی علیه السلام از ایشان سؤال کرد. امام علی رضی الله عنه فرمود: ... خداوند برای او گروهی پراکنده همانند ابرهای پراکنده را جمع می کند. خداوند میان دل های آنان انس و الفت ایجاد می کند. نه از نبود کسی احساس تنهایی و دلتنگی می کنند و نه حضور کسی آنها را خوشحال می کند. میان آنان به تعداد یاران بدر داخل می شوند پیشگامان نخستین بر آنان پیشی نگرفتند و دیگران نیز به آنان نمی رسند و به تعداد یاران طالوت؛ کسانی که با او از رودخانه گذشتند.

دکتر بستوی اعتبار سند حدیث را بررسی و ثابت کرده است.<sup>۱</sup> چنان که ملاحظه می شود در این حدیث به عدد یاران امام تصریح نشده است و تنها تعداد آنان، به تعداد یاران بدر و یاران طالوت تشبیه شده است. اما اصحاب بدر چند تن بودند؟ بخاری برجسته ترین محدث اهل سنت، تعداد آنها را به صورت مبهم ۳۱۰ و خورده ای بیان می کند.<sup>۲</sup>

---

۱. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص ۲۰۸: صاحب کتاب می نویسد: با دقت در روایان حدیث روشن می شود روایان همه ثقه اند و ضعف «یونس بن ابی اسحاق» کم است و آسیبی به صحت حدیث نمی زند. حاکم گوید این حدیث بنا بر شرط شیخین صحیح است؛ در حالی که آن را نقل نکرده اند. ذهبی درباره این حدیث، سکوت کرده است؛ در حالی که حدیث تنها بنا بر نظر مسلم صحیح است؛ زیرا بخاری چیزی از عمار و یونس نقل نکرده است. بنا بر این سند حسن است.

۲. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۷۴: عَنِ الرَّبْرِءِ، قَالَ: كُنَّا أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَتَحَدَّثُ: «أَنَّ عِدَّةَ أَصْحَابِ بَدْرٍ عَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ طَالُوتَ الَّذِينَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ وَ لَمْ يُجَاوِزْ مَعَهُ إِلَّا الْمُؤْمِنُ بِضِعَةِ عَشْرٍ وَ ثَلَاثَ مِائَةٍ»؛ «براه گوید ما یاران پیامبر نقل می کردیم که تعداد یاران بدر به اندازه تعداد یاران طالوت است که با او از نهر گذشتند و با او از نهر گذشت، مگر افراد مؤمن، [به تعداد] سیصد و ده و خورده ای».

«ابن حجر عسقلانی» در شرح تعداد یاران، اقوال مختلف را بیان می‌کند که بیانگر اختلاف کمی است. به‌ظاهر، قول ۳۱۳ نفر مشهور است.<sup>۱</sup>

اما احادیث شیعه، تعداد دقیق یاران امام مهدی علیه السلام را ذکر کرده است. این روایات، قول مشهور اهل تسنن را تقویت می‌کند. بنابراین روایات شیعه و اهل سنت در این مورد نیز یکسان است و مطلب مشترکی را بیان می‌کند. شیخ طوسی از محدثان شیعه نیز این مطلب را از حضرت علی علیه السلام چنین نقل کرده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ... فَيَبْعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ أَطْرَافِهَا وَيَحْيُونُ قَزْعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُهُمْ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَهُمْ وَبَابِلَهُمْ وَاسْمَ أَمِيرِهِمْ وَمَنَاحَ رِكَابِهِمْ وَهُمْ قَوْمٌ يَحْمِلُهُمُ اللَّهُ كَيْفَ شَاءَ مِنَ الْقَبِيلَةِ الرَّجُلِ وَالرَّجُلِينَ حَتَّى بَلَغَ تِسْعَةَ فَيَتَوَافُونَ مِنَ الْأَفَاقِ ثَلَاثِيَّةً وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ...<sup>۲</sup>

ابو بصیر می‌گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمود:... پس خداوند گروهی را از گوشه و کنار دنیا برمی‌انگیزد. آنان پراکنده می‌آیند همانند قطعه ابرهای پاییز. به خدا سوگند! من آنها

۱. فتح الباری، ابن حجر، ج ۷، ص ۲۹۱. ابن حجر می‌نویسد: احمد بن حنبل، بزاز و طبرانی حدیث ابن عباس را دارند که اهل بدر ۳۱۳ نفر بودند و همچنین ابن ابی شیبه و بیهقی از روایت عبیده بن عمر و سلمانی، یکی از بزرگان تابعان، نقل کرده‌اند و از آنها کسانی‌اند که [حدیث را] به حضرت علی رسانده‌اند و این قول نزد ابن اسحاق و گروهی از اهل مغازی (جنگ‌نامه نویسان) قول مشهور است.

۲. الغيبة، کتاب الغيبة للحجة، شیخ طوسی، ص ۴۷۷.

را می‌شناسم و نام‌هایشان را و قبیله و اسم رهبرشان و محل استقرار مرکب‌هایشان را می‌دانم. آنها گروهی‌اند که خداوند هر طور بخواهد گردآوری می‌کند و از هر قبیله‌ای یک یا دو مرد، تا نه مرد را خداوند جمع می‌کند. پس ۳۱۳ مرد به تعداد اهل بدر از گوشه گوشه دنیا جمع می‌شوند...

نعمانی دیگر محدث شیعی نیز تعداد یاران امام مهدی علیه السلام را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ يَا جَابِرُ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثًا ثَلَاثَةً وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا وَ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ...<sup>۱</sup>

جابر بن یزید جعفی می‌گوید: امام باقر علیه السلام [به من] فرمود: ای جابر... خداوند یاران او را که ۳۱۳ مرد هستند، جمع می‌کند و خداوند آنان را برایش بدون وعده قبلی گرد می‌آورد؛ پراکنده همانند ابر پاییز...

گفتنی است که سخن از ۳۱۳ یار امام، به معنای انحصار یاران در این تعداد نیست؛ زیرا بنابر روایات دیگر، امام مهدی علیه السلام یاران فراوانی دارد.<sup>۲</sup>

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۷۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ النَّقْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه السلام يَقُولُ الْقَائِمُ مِنَّا... فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعِقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ صَمَمٍ وَ وَكْنٍ وَ عَرِيهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ...»؛ «محمد بن مسلم گوید شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: قائم از ماست... هنگامی که عقد گرد او جمع گردند و آن ده هزار مرد است، خروج می‌کند و بر روی زمین معبودی را غیر خداوند باقی نمی‌گذارد، از بت و غیر بت، مگر آتش در آن می‌افکند و آتش می‌زند...».

در واقع ۳۱۳ نفر، یاران اصلی و فرماندهان لشکر امام هستند<sup>۱</sup> و سایر افراد نیز زیر نظر آنان به امام خدمت می‌کنند.

### (ب) محل بیعت

دومین مطلب مشترک احادیث شیعه و سنی در بحث یاران امام مهدی علیه السلام، محل بیعت آنان با امام است. احادیث فریقین گویای آن است که یاران اصلی امام، یعنی همان ۳۱۳ تن، در مسجدالحرام، میان رکن حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام با امام مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند. احمد حنبل از محدثان متقدم اهل تسنن در این باره چنین آورده است:

عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَمْعَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا هُرَيْرَةَ يُخْبِرُ أَبَا قَتَادَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ يَبِيعُ لِرَجُلٍ مِمَّا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...<sup>۲</sup>

سعید بن سمعان گوید شنیدم ابوهریره به ابوقتاده خبر می‌داد که

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برای مردی میان رکن و مقام بیعت گرفته می‌شود... .

دکتر بستوی، پنج منبع برای این حدیث نقل می‌کند و صحت سند آن را ثابت می‌نماید.<sup>۳</sup> نعمانی از محدثان شیعه نیز در کتاب خود، حدیث محل بیعت یاران امام مهدی علیه السلام را چنین بیان می‌کند:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ علیه السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ»؛ «امام صادق فرمود: گویی به قائم می‌نگرم که بر منبر کوفه است و گردش یارانش ۳۱۳ مرد به تعداد اهل بدر هستند و آنها پرچمداران و حاکمان الهی بر خلقش روی زمین هستند».

۲. مسند أحمد، ج ۱۳، ص ۲۹۰.

۳. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحيحة، ص ۲۹۵.

عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ  
 الْبَاقِرِ عليه السلام يَا جَابِرُ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثًا ثَلَاثَةً وَثَلَاثَةَ  
 عَشَرَ رَجُلًا وَيَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَى عَيْرِ مِعَادٍ فَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ وَ  
 هِيَ يَا جَابِرُ الْآيَةُ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ  
 بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره: ۱۴۸) فَيَسْأَلُونَهُ  
 بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ مَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَدْ تَوَارَتْهُ الْأَبْنَاءُ  
 عَنِ الْأَبَاءِ...<sup>۱</sup>

«جابر بن یزید جعفی» می گوید: امام باقر علیه السلام [به من] فرمود: ای جابر...  
 خداوند یارانش را که ۳۱۳ مرد هستند، جمع می کند و خداوند آنان را  
 برایش بدون وعده قبلی گرد می آورد؛ پراکنده همانند ابر پاییز و ای  
 جابر! این است آیه ای که خداوند در کتابش ذکر کرده است: «هر کجا  
 باشید، خداوند همه شما را می آورد. خداوند بر هر چیزی تواناست». پس  
 میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. همراه امام مهدی علیه السلام پیمانی از  
 پیامبر صلی الله علیه وآله هست که فرزندان از پدران، آن را ارث برده اند.

## ۷. محل قیام

هفتمین مورد مشترک احادیث شیعه و سنی در بحث قیام امام  
 مهدی علیه السلام، محل قیام آن حضرت است. منظور از محل قیام، نخستین  
 جایی است که امام خود را برای جهانیان معرفی می کند و یاران امام کنار  
 ایشان حاضر می شوند و آشکارا حرکت امام آغاز می گردد.  
 براساس احادیث فریقین، محل قیام امام مهدی علیه السلام، شهر مکه مکرمه

## ۷۰ اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

و از داخل مسجد الحرام است. امام در آغاز حرکت و خروج خویش، کنار کعبه می‌ایستد و یاران با ایشان بیعت می‌نمایند. در این باره، اختلافی میان روایات فرق مختلف اسلامی وجود ندارد.

افزون بر این، روایات شیعه، بیت الحرام و کعبه را محل خروج امام مهدی علیه السلام دانسته است. این تصریح، دست‌کم در روایات معتبر اهل سنت دیده نمی‌شود. نعمانی در قسمتی از روایتی که در «محل بیعت» گذشت، تصریح می‌کند:

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عليه السلام يَا جَابِرُ... الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسَنَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر... قائم علیه السلام در آن هنگام، در مکه است و به کعبه تکیه داده است تا پناه او باشد.

شیخ صدوق نیز در روایتی که در نشانه‌های قیام «قتل نفس زکیه»

گذشت، نقل می‌کند:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ عليه السلام يَقُولُ: ... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَإِذَا خَرَجَ أَسَنَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْكُعبَةِ وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا<sup>۲</sup>

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: و آن هنگام، خروج قائم ما علیه السلام خواهد بود. پس زمانی که خروج کند، بر کعبه تکیه کند و ۳۱۳ مرد دورش جمع شوند.

نکته درخور توجه آن است که روایات شیعه و سنی در محل قیام

امام توافق نظر دارند و حتی احادیث شیعه، به خروج امام از بیت الله

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۷۹.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰.

الحرام و کعبه تصریح کرده‌اند. اما با این حال، مخالفان مذهب اهل بیت علیهم السلام، تهمت و افترا به شیعه می‌زنند که آنان معتقدند امام مهدی علیه السلام از شهر سامرا و کشور عراق خروج خواهد کرد؛<sup>۱</sup> در حالی که شیعه نه تنها حدیثی در این باره نقل نکرده است، بلکه دانشمندان شیعه نیز چنین عقیده‌ای ابراز ننموده‌اند. تهمت‌زندگان نیز حرفشان را مستند به کتاب و منبع قابل قبولی نکرده‌اند.

در واقع بسیاری از موارد اختلافی میان شیعه و سنی، همین‌گونه است؛ یعنی از اساس، غلط و دروغ است و هرگز شیعه و سنی در آن اختلافی نداشته‌اند. بر دانشمندان باانصاف و اهل تحقیق لازم است که برای گسترش اتحاد و برادری میان مسلمانان و رفع سوء تفاهم و کدورت، اعتقادات هر مذهبی را در کتاب‌های خودشان جست‌وجو کنند و کتاب‌های مخالفان آنان را ملاک قضاوت خویش قرار ندهند. اکنون در صدد پاسخ‌گویی تفصیلی به این افترا نیستیم. مقصود، تذکر این نکته بود که شیعه و سنی در محل قیام و خروج امام مهدی علیه السلام توافق دارند و یک مکان را معرفی می‌کنند و آنچه به شیعه نسبت داده‌اند تهمتی بیش نیست.

---

۱. الأنساب، سمعانی، ج ۷، ص ۲۸. سمعانی می‌نویسد: «السامری با فتحه سین تشدیددار و میم و راء تشدیددار، منسوب است به شهری کنار رود دجله، سی فرسخ بالاتر از بغداد به آن سُرّ من رأی (خوشحال شد هر کس دید) گفته می‌شود. مردم آن را مخفف کردند و سامراء گفتند و در آن شهر، زیرزمین (سرداب) معروف در مسجد جامع آن واقع است که شیعه گمان می‌کند مهدی‌شان از آنجا خروج می‌کند».

تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۶۶. ابن کثیر نیز در تفسیر خود می‌نویسد: «از آنها، مهدی بشارت داده شده در احادیث است. نام او همانند نام پیامبر صلی الله علیه و آله است... و این شخص، آن منتظری نیست که رافضه وجود او را و ظهور او را از سرداب سامراء توهم کرده‌اند».

## ۸. فرو آمدن حضرت عیسیٰ علیه السلام هنگام قیام

آخرین مورد مشترک احادیث شیعه و سنی در بحث قیام و خروج امام مهدی علیه السلام که در اینجا بیان می‌شود، رخدادی بزرگ است که در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام واقع خواهد شد. اتفاقی که با رخ دادن آن بیشتر مسیحیان حق طلب، حقانیت امام مهدی علیه السلام را درک می‌کنند و به ایشان ایمان می‌آورند. واقعه فرو آمدن حضرت عیسیٰ علیه السلام از آسمان و اقتدا به امام مهدی علیه السلام در نماز، اتفاقی ویژه در دوران قیام امام مهدی علیه السلام خواهد بود. احادیث معتبر متعددی از اهل تسنن، این واقعه را بیان کرده‌اند؛ برای نمونه بخاری، محدث برجسته اهل سنت، این واقعه را چنین نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ.<sup>۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: حال شما چگونه خواهد بود هنگامی که فرو می‌آید فرزند مریم علیها السلام میان شما؛ درحالی که امام شما از شماست.

دکتر بستوی، شش منبع برای این حدیث نقل کرده است.<sup>۲</sup> صحت سند این حدیث به دلیل نقل در صحیحین، بحثی ندارد. هرچند در این حدیث، نام امام مهدی علیه السلام نیامده است، اما روایات معتبری هست که با تصریح به نام امام، ثابت می‌کند این جریان مربوط به دوران قیام

۱. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۶۸، [تعلیق مصطفی البغا] ۳۲۶۵ (۱۲۷۲/۳). مصطفی بغا در شرح

این حدیث آورده است: «مسلم این حدیث را در کتاب ایمان، باب فرو آمدن عیسی بن مریم برای حکم کردن به شریعت پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله شماره ۱۵۵ نقل کرده است. «امامکم منکم»؛ یعنی حضرت عیسی با شما نماز جماعت می‌خواند؛ درحالی که امام جماعت از این امت است به دلیل تکریم این امت یا منظور این است که حضرت عیسی میان شما به شرع شما حکم

می‌کند که کمک‌گرفته از کتاب‌الله و سنت پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله است».

۲. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۲۷۹.



امام مهدی علیه السلام است؛ مانند روایتی که «حارث بن ابی اسامه» نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمُ الْمَهْدِيُّ  
تَعَالَ صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ لَا إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرٌ بَعْضٌ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَذِهِ  
الْأُمَّةُ.<sup>۱</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام فرو می آید. پس فرمانده شما مهدی علیه السلام می گوید: بیا برای ما نماز بخوان (امام جماعت باش) و او می گوید: نه. برخی از آنان فرمانده برخی دیگرند. کرامت الهی است بر این امت.

دکتر بستوی، ضمن پاسخ به اشکال سندی این حدیث، صحت سند آن را ثابت کرده است.<sup>۲</sup> ابن ابی شیبیه، نویسنده یکی از منابع قدیمی اهل تسنن، امامت حضرت مهدی علیه السلام را بر حضرت عیسی علیه السلام بدون بیان جریان آن، چنین نقل کرده است:

أَبُو أُسَامَةَ عَنْ هِشَامٍ عَنِ ابْنِ سِيرِينَ قَالَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ  
وَهُوَ الَّذِي يُؤْمُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ.<sup>۳</sup>

ابن سیرین می گوید: امام مهدی علیه السلام از این امت است و او کسی است که بر عیسی بن مریم علیه السلام امامت می کند.

هر چند این کلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نشده است، اما نزد اهل تسنن

---

۱. مسند الحارث بن ابی أسامة به نقل از سلسله الأحادیث الصحیحة و شیء من فقهها و فوائدها، آلبنانی، ج ۵، ص ۲۷۶.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحیحة، ص ۱۸۱.

۳. مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۷، ص ۵۱۳.

اعتبار دارد.<sup>۱</sup> شیخ صدوق از محدثان معروف شیعه نیز در کتاب‌های متعدّدش این رخداد بزرگ را از احادیث شیعه، چنین نقل کرده است:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ...<sup>۲</sup>

ابن عباس می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود... سوگند به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت! اگر از دنیا نمانده باشد مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا در آن روز، خروج کند فرزندم مهدی ﷺ. پس فرو می‌آید روح‌الله عیسی بن مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ و پشت سرش نماز می‌خواند.

شیخ صدوق در کتاب دیگرش چنین آورده است:

عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَتَى يَهُودِيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:... يَا يَهُودِيَّ وَمَنْ ذَرِيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ.<sup>۳</sup>

«معمر بن راشد» می‌گوید: شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: فردی یهودی به خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسید. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وی فرمود:... ای یهودی! مهدی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از نسل من، است. هنگامی که خروج کند، عیسی بن

۱. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحه، ص ۲۲۰. نتیجه: اسناد صحیح. رجاله کلهم ثقات.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳. الأمالی، شیخ صدوق، ص ۲۱۸.

مریم علیها السلام برای یاری اش فرو می آید و او را مقدم می دارد و پشت سرش نماز می خواند.

چنان که در فصل اول گفته شد، دانشمندان شیعه و سنی، امام مهدی علیه السلام را دوازدهمین خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند. در روایات شیعه ضمن بیان فرو آمدن حضرت عیسی علیه السلام، به آخرین وصی بودن ایشان نیز تصریح شده است.

شیخ صدوق در جریان شب معراج چنین نقل می کند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى رَبِّي جَلَّ جَلَّالُهُ أَتَانِي النَّدَاءُ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَيْتَكَ رَبَّ الْعَظَمَةِ لَيْتَكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ... وَمَنْ أَحَبَّهُ (علي بن ابی طالب) فَقَدْ أَحَبَّكَ وَمَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَقَدْ جَعَلْتُ لَهُ هَذِهِ الْفَضِيلَةَ وَأَعْطَيْتُكَ أَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلُّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنَ الْبَكْرِ الْبَتُولِ وَآخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ مِنْهُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا.<sup>۱</sup>

ابن عباس می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که من به سوی پروردگارم عروج داده شدم، ندا آمد: «ای محمد!» گفتیم: «لبیک»، پروردگار بزرگی، لبیک». پس خداوند به من وحی فرمود: «ای محمد!... کسی که او (حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام) را دوست بدارد، تو را دوست داشته است و هر که تو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و من این برتری را برای او قرار دادم و عطا کردم به تو اینکه خارج سازم از صلب او یازده مهدی؛ همه از نسل تو، از بکر بتول

(فاطمه زهرا علیها السلام) و آخرین مرد از آنان، عیسی بن مریم علیه السلام پشت سرش نماز می خواند. او زمین را از عدل پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

شیخ صدوق در نقل دیگری می آورد:

ذَكَرَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ علیه السلام سَيْرَ الْخُلَفَاءِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ الرَّاشِدِينَ فَلَمَّا بَلَغَ آخِرَهُمْ قَالَ الثَّانِي عَشَرَ الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ علیه السلام خَلْفَهُ.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام روند جانشینان دوازده گانه را یاد آور شد و وقتی به آخرشان رسید، فرمود: دوازدهم کسی است که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سرش نماز می خواند.

روایات یاد شده از فریقین، نشان می دهد فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای ایشان به امام مهدی علیه السلام در نماز، نکته ای ثابت شده و مشترک در روایات شیعه و سنی است.

نتیجه: روایات فصل دوم که مربوط به ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام بود، روشن نمود بسیاری از مطالب در عقیده مهدویت، به صورت یکسان در روایات شیعه و سنی نقل شده است. حتی برخی مسائل مانند محل قیام امام، تعداد یاران و محل بیعت ایشان نیز به یک گونه بیان شده است. این هماهنگی، افزون بر اینکه دلیل اصالت و حقانیت عقیده مهدویت در اسلام است، ظرفیت اندیشه مهدویت را برای ایجاد وحدت میان مسلمانان و محور شدن برای گفت و گوهای مشترک نشان می دهد.

## فصل سوم: حکومت امام مهدی علیه السلام

فصل سوم مشترکات در عقیده مهدویت را می‌توان در روایاتی از شیعه و سنی جست‌وجو کرد که تصویر جهان بعد از ظهور را ترسیم کرده‌اند. بی‌شک، می‌توان زیباترین تصویر جهان را در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام یافت. احادیث شیعه و سنی به‌صورت یکسان، آن دوران را ترسیم کرده‌اند. اشتراک در بیان ویژگی‌های جهان بعد از ظهور، بیانگر اهداف مشترک فریقین است. اهدافی که در نظر گرفتن آنها در زمان حاضر، می‌تواند ضامن رشد بالنده جوامع اسلامی باشد و هم‌گرایی آشکاری را میان مسلمانان ایجاد کند و سد راه تفرقه شود و راه وحدت را نشان دهد.

در این فصل به سه مورد مشترک روایات شیعه و سنی درباره

حکومت امام مهدی علیه السلام اشاره می‌کنیم:

### ۱. عدالت فراگیر

بی‌تردید، مهم‌ترین شاخصه حکومت امام مهدی علیه السلام در روایات، گسترش عدالت است. عبارت آشنای «یملأ الارض قسطاً و عدلاً»، بسیار

در روایات شیعه و سنی آمده است. آری زیباترین سیمای حکومت مهدوی، عدالت فراگیر آن است. در آن حکومت، حقی غضب نمی‌شود و مظلومی بدون دادخواه نمی‌ماند. کسی آزار نمی‌بیند و حق همه، حتی حیوانات و طبیعت، محفوظ است. عدالت فراگیر در تمام ابعاد مادی و معنوی دستاورد حکومت بی‌بدیل امام مهدی عجل الله تعالی فرجه خواهد بود.

در فصل اول، از اوصاف ظاهری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه بیان شد که ابوداوود از پیامبر ص چنین نقل کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَهْدِيُّ مَنِّي... يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا  
مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا...<sup>۱</sup>

پیامبر ص فرمود: مهدی عجل الله تعالی فرجه از من است... زمین را از برابری و عدل پر می‌کند؛ همان‌گونه که از ستم و ظلم پر شده است...

همچنین این عبارت در مباحث نام امام و نشانه‌های قیام «قتل نفس زکیه» از منابع اهل تسنن، و در مباحث نام امام و حتمی بودن قیام از منابع شیعه نقل شده است.

نعمانی درباره فراگیر بودن عدالت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، عبارت جالبی را از امام صادق ع چنین نقل کرده است:

عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ... ثُمَّ قَالَ  
أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْ  
الْقُرْ...<sup>۲ ۳</sup>

۱. سنن ابی‌داوود، ج ۴، ص ۱۰۷. [حکم الألبانی]: حسن.

۲. القرّ یضم القاف و شد الراء: ضد الحرّ یعنی البرد.

۳. الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۶.

فضیل بن یسار می گوید شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: بدانید به خدا سوگند! عدالت امام به درون خانه هایشان وارد خواهد شد؛ همان گونه که گرما و سرما داخل می شود.

گسترش عدالت فراگیر در تمام نقاط زمین، از افتخارات بزرگ موعود مسلمانان است. در دوران حکومت نورانی امام مهدی عجل الله فرجه کسی اجازه ظلم کردن به دیگری را ندارد؛ حتی در مسائل خانواده، همسر باید حق همسر خود را رعایت نماید و والدین و فرزندان باید به حقوق هم احترام گزارند. گفتنی است که لازمه چنین عدالت فراگیری، آن است که به هیچ موجودی ظلم نشود. اما متأسفانه دشمنان اسلام، چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از موعود مسلمانان تبلیغ می کنند؛ موعودی قوم گرا که غیرمسلمانان را خواهد کشت.<sup>۱</sup> با مراجعه به روایات فریقین روشن می شود که چنین نسبت هایی تا چه میزان ناروا و زشت و نابخشودنی است. البته از آنان که اعتقادی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دین راستین الهی ندارند، انتظاری جز این نمی رود. اما متأسفانه برخی از کسانی هم که ادعای مسلمانی دارند، همان تهمت ها را درباره موعود اهل بیت علیهم السلام تکرار می کنند و حتی در برخی موارد از کفار پیشی می گیرند؛ به طوری که می گویند موعود شیعه خونریز است و غیرشیعه را خواهد کشت. گرایش به یهود دارد و مسلمانان را از بین خواهد برد.<sup>۲</sup>

---

۱. ر.ک: کتاب ضد مسیح اسلامی (The Islamic Antichrist) نوشته جوئل ریچاردسون (joel Richardson)

۲. ر.ک: کتاب «متی بشرق نورک ایها المنتظر»، نوشته «عثمان الخمیس» که «اسحاق دبیری»، آن را به فارسی ترجمه نموده و با عنوان «عجیب ترین دروغ تاریخ» منتشر کرده است.

به راستی کدام ایمان و تقوایی، اجازه چنین افتراهایی را صادر می‌کند؟! چرا در دورانی که کفار قصد براندازی اسلام را دارند، گروهی نیز از درون دین با دلایلی بی‌پایه بر طبل تفرقه و دوگانگی می‌کوبند و آب در آسیاب دشمن می‌ریزند؟! آیا وقت آن نرسیده است که عالمان بانصاف اسلام با نظری عمیق و دقیق در منابع فریقین، به این تفرقه‌ها پایان دهند و امت اسلامی را یکپارچه کنند؟! سزاوار است تمام اندیشمندان اسلامی، به این تهمت‌ها و توهین‌ها واکنش نشان دهند و تفرقه‌افکنان را رسوا و روسیاه نمایند.

## ۲. نعمت بی‌سابقه

یکی از ویژگی‌های بارز حکومت امام مهدی علیه السلام که در احادیث شیعه و سنی به آن اشاره شده است، بهره‌مندی بی‌سابقه مردم از نعمت‌های الهی است. روشن است که این بهره‌مندی در سایه اجرای عدالت و رعایت دقیق آن خواهد بود. بدون تردید، هنگامی که انسان، به درستی وظایف خود را در برابر خداوند و موجودات دیگر انجام دهد، از نظام آفرینش، بر همان خلقت اصلی، بهره کامل را خواهد برد. اگر مردم در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام از نعمت‌های بی‌نظیر فراوانی بهره‌مند می‌شوند، به دلیل رعایت همین نکته است؛ زیرا رفتار عادلانه، موجب بهره‌وری فراوان و همگانی خواهد بود. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾ (اعراف: ۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.



بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که در دولت کریمه امام مهدی عجل الله فرجه مردم از نعمت‌های فراوان و بی‌سابقه‌ای بهره‌مند شوند. «ابن ابی‌شیبه» وضع دنیا را در آن دوران، چنین وصف می‌کند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ يُكُونُ فِي أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ... وَتَعِيشُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ عَيْشًا لَمْ تَعِشْهُ قَبْلَ ذَلِكَ.<sup>۱</sup>

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی عجل الله فرجه در امت من خواهد بود... و امتم در زمان ایشان امکاناتی برای زندگی خواهند داشت که قبل از آن نداشته‌اند.

دکتر بستوی با بررسی سندی، اعتبار این حدیث را ثابت کرده است.<sup>۲</sup> همچنین وی در حدیث دیگری چنین نقل کرده است:

رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ... فَأَتَى النَّاسَ الْمُهْدِيُّ... وَتَنَعَّمَ أُمَّتِي فِي وِلَايَتِهِ نِعْمَةً لَمْ تَنَعَّمَهَا قَطُّ.<sup>۳</sup>

یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید:... پس امام مهدی عجل الله فرجه به سراغ مردم می‌رود... و امت من به سرپرستی ایشان، از نعمتی بهره‌مند گردند که هرگز بهره‌مند نشده‌اند.

دکتر بستوی صحت سند این حدیث را نیز ثابت کرده است.<sup>۴</sup> جریر طبری نیز در منابع شیعه همین تصویر را با تفصیل بیشتری، چنین ارائه کرده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:... وَتَنَعَّمَ أُمَّتِي فِيهَا

۱. مصنف ابن ابی‌شیبه، ج ۷، ص ۵۱۳.

۲. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۱۷۹.

۳. مصنف ابن ابی‌شیبه، ج ۷، ص ۵۱۴.

۴. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث والآثار الصحيحة، ص ۲۱۴.

نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ يُرْسِلُ اللَّهُ السَّيِّئَ عَلَيْهِمْ مَذْرَأًا فَلَا تَدْخُرُ  
الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ وَالْمَأْكَلِ وَ سَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِيُّ  
أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ.<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ فرمود:... و امت من در آن (دوران امام مهدی ﷺ) از نعمتی بهره‌مند گردند که هرگز بهره‌مند نشده‌اند. خداوند بر شما از آسمان باران پی در پی می‌فرستد. پس زمین چیزی از گیاهان و خوراکی‌ها را درون خود نگه نمی‌دارد و مرد بلند می‌شود و می‌گوید: «ای مهدی! عطایم کن» و امام می‌فرماید: «بگیر».

چنان‌که گفتیم این بهره‌مندی گسترده از نعمت‌های الهی، نتیجه رفتار صحیح مردم است. از این بیان روشن می‌شود، هرچند حکومت ناب‌آخرالزمان تنها به دست امام مهدی ﷺ اجرا شدنی است، اما مردم به هر میزان به آن عدالت و معنویت نزدیک شوند، به همان مقدار نیز بهره‌مندی‌شان افزایش می‌یابد. بنابراین سزاوار است عالمان و نویسندگان اسلام تمام تلاش خود را برای تبیین و تبلیغ عدالت و محو ظلم و ستم به‌کار گیرند تا جهانیان شاهد شیرین عمل به اسلام و عدالت را هر چند در مقیاسی بسیار کوچک بچشند.

### ۳. طبیعت سرسبز

یکی دیگر از ویژگی‌های حکومت امام مهدی ﷺ که در احادیث شیعه و سنی به آن اشاره شده است، وضع زمین به لحاظ آب و هوا و

طبیعت است. بنابه نقل فریقین، در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام باران‌های آمادگی زمین برای رشد گیاهان بسیار مناسب خواهد بود. فراوانی و به موقع و زمین حاصل خیز، سبب رونق کشاورزی و دامداری می‌شود. حاکم نیشابوری، عالم اهل سنت، وصف آن دوران را چنین آورده است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: يَخْرُجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ يُسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا... وَ تَكْثُرُ الْمَاشِيَةُ<sup>۱</sup>...<sup>۲</sup>

ابوسعید خدری می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در آخر امت من، مهدی علیه السلام خروج می‌کند. خداوند با باران، سیرابش می‌نماید و زمین، گیاهانش را خارج می‌سازد... و دامداری فراوان می‌شود...

دکتر بستوی ضمن اثبات صحت سند این حدیث، کسانی را که صحت سند آن را بیان کرده‌اند، نام می‌برد.<sup>۳</sup> احمدبن حنبل نیز در این زمینه چنین نقل می‌کند:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَتُمْطَرُ السَّيِّئَةُ قَطْرَهَا.<sup>۴</sup>

۱. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۴، ص ۳۳۵. ابن اثیر می‌نویسد: واژه «ماشیه» در احادیث مکرر نقل شده است. جمع آن، «مواشی» است و این اسمی است که بر شتر و گاو و گوسفند اطلاق می‌شود و اکثراً در گوسفند استفاده می‌شود.

۲. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۶۰۱. این حدیث صحیح است اما بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند. ذهبی نیز به صحت آن حکم کرده است.

۳. المهدی المنتظر، فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۱۶۵.

۴. مسند أحمد، ج ۱۷، ص ۳۱۰.

پیامبر ﷺ فرمود: از امت من، مهدی ﷺ خواهد بود... زمین را پر از عدل و داد می کند و زمین، گیاهش را خارج می کند و آسمان، قطرات بارانش را فرو می ریزد.

بستوی، سه منبع برای این حدیث نقل نموده و با بررسی سندی، اعتبار این حدیث را ثابت کرده است.<sup>۱</sup> شیخ طوسی نیز وصف دوران حکومت امام مهدی ﷺ را به همین شکل نقل می کند:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ إِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ عِزَّتِي مَنْ أَهْلَ بَيْتِي يُخْرِجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَنْزِلُ لَهُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرُهَا وَ يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَدْرُهَا ...<sup>۲</sup>

ابوسعید خدری می گوید: شنیدم رسول الله ﷺ بر فراز منبر فرمود: مهدی ﷺ از عترت و اهل بیت من است. در آخر الزمان خروج می کند. باران آسمان، برایش فرو می ریزد و زمین، بدر خویش را برای او خارج می کند... .

#### نتیجه:

چنان که ملاحظه شد، روایات نقل شده در وصف دوران حکومت آخرین وصی پیامبر بزرگ اسلام ﷺ تصویر بسیار زیبایی از آن دوران را ارائه می دهد. این روایات، افزون بر آنکه انسان را مشتاق درک آن دوران می کند، وظیفه امروز او را هم بیان می نماید؛ برای مثال اگر شاخصه اصلی حکومت مهدوی، عدالت است، باید مسلمانان مشتاق دولت مهدوی، رفتاری عادلانه داشته باشند.

۱. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحه، ص ۱۷۹.

۲. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۱۸۰.

بی شک، مصداق بارز عدالت اجتماعی، احترام گزاردن به عقاید مذاهب مختلف اسلامی است. هرگز روا نیست گروهی به نام دفاع از اسلام، بدون هیچ دلیل مستند، تنها با برداشت ذهنی خود، دیگر مذاهب اسلامی را به کفر و شرک متهم کند. آری! می توان در فضایی دوستانه و با بحث علمی، عقاید دیگر مذاهب را نقد و بررسی کرد. اما تهمت زدن و دروغ بستن به دیگر مذاهب، نه تنها دفاع از اسلام نیست، بلکه آب ریختن به آسیاب دشمنان قسم خورده اسلام است.



## نتیجه‌گیری

از مطالب این سه فصل، به روشنی معلوم شد که احادیث فریقین در ارائه تصویر منجی آخرالزمان، شبیه یکدیگرند؛ به عبارت دیگر، احادیث شیعه و سنی در معرفی شخص امام موعود، بیان اوضاع زمان قیام و ارائه تصویر جهان در دوران حکومت ایشان، گویای حقیقتی واحد است. البته موارد اشتراک میان احادیث شیعه و سنی بسیار بیش از این است و چنان‌که در مقدمه نیز بیان شد، در این نوشتار تنها احادیث معتبر اهل سنت ملاک قرار داده شد تا بهانه‌ای در دست مخالفان تفرقه‌افکن نباشد و ضعف و عدم اعتبار روایات را بهانه شبهه‌افکنی قرار ندهند.

بی‌شک، اگر تمام روایات کتاب‌های حدیثی بررسی شود، این تشابه بیشتر معلوم می‌شود. البته طبیعی است که در مواردی نیز، احادیث فریقین با هم تفاوت داشته باشد که بر همان اساس هر گروهی به احادیث معتبر خود معتقد و پایبند می‌شود. اما برخلاف سخن شبهه‌افکنان و تبلیغات تفرقه‌جویان، این تفاوت‌ها به حدی نیست که نتوان تصویر واحد و مشترکی از موعود اسلام و اوصاف دوران قبل قیام و حکومت ایشان ارائه کرد. جهان اسلام در بسیاری از اصول و حتی

فروع عقیده مهدویت مشترک است و مهدویت می تواند بستری مناسب برای گفت و گوی میان مذاهب اسلامی باشد. بسیاری از اختلاف های ادعا شده وهابیان تکفیری، دروغ هایی است که خودشان به شیعه نسبت می دهند و از اساس چنین سخنی در عقیده شیعه وجود ندارد؛ مانند ادعاهای دروغینی که درباره سرداب شهر سامرا و مخفی شدن امام شیعیان داخل آن سرداب به شیعه نسبت می دهند. چنین نسبت هایی از اساس دروغ است و شیعیان هرگز چنین عقیده ای نداشته اند. در برخی موارد نیز تفسیرها و برداشت هایی از روایات شیعه ارائه می دهند که کاملاً نادرست است و هرگز روایات شیعه، گویای آن مطالب نیست؛ مانند تفسیری که از احادیث «کتاب جدید» یا «قضاء جدید» یا «تجدید بنای کعبه» توسط امام مهدی علیه السلام ارائه می دهند. آنان چنین القا می کنند که امام شیعیان به دنبال محو اسلام و اهانت به کعبه و تخریب آن است؛ در حالی که بنای کعبه بر قواعد اصلی آن، آرزوی پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و امام مهدی علیه السلام به دنبال احیای سنت نبوی صلی الله علیه و آله است؛ نه اهانت به کعبه. اما منافع وهابیان تکفیری در القای این شبهات و اختلافات است.

در این مجال، فرصت طرح این شبهات و پاسخ به آنها وجود نداشت. تنها غرض این بود که بر خوانندگان گرمی روشن گردد، مسلمانان نباید در دام فریب و نیرنگ دغل بازان اختلاف افکن گرفتار آیند؛ آنانی که می گویند مهدویت شیعه و سنی تنها در نام امام مهدی علیه السلام مشترک است. روشن است که بحث مهدویت را خود پیامبر اسلام حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بیان کرده است. از این رو میان تمام فرق



اسلامی از اشتراک فراوانی برخوردار است.

به امید روزی که تمام فرهیختگان جهان اسلام با الگو قرار دادن سیره مهدوی گفتمان عدالت را گفتمان غالب در جهان قرار دهند و جهان را برای ظهور امام مهدی علیه السلام آماده نمایند تا به زودی شاهد حضور پسرور منجی عالم باشیم.

و الحمد لله رب العالمین

قم مقدس

تابستان ۱۳۹۲



## کتابنامه

قرآن کریم

۱. المهدي المنتظر في الفكر الإسلامي، مركز الرسالة، چاپ اول، قم، مركز الرسالة، ۱۴۱۷ ه.ق
۲. امالی شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳. الأنساب، أبوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی المروزی، محقق: عبدالرحمان بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، چاپ اول، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ هـ / ۱۹۶۲ م.
۴. تاریخ بغداد، أبوبکر أحمد بن علی بن ثابت بن أحمد بن مهدی الخطیب البغدادی، محقق: الدكتور بشار عواد معروف، چاپ اول، بیروت، دار الغرب الإسلامي، ۱۴۲۲ هـ / ۲۰۰۲ م.
۵. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، أبو العلام محمد عبدالرحمان بن عبدالرحیم المبارکفوری، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۶. ترجمه و شرح نهج البلاغة، علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، ۱۳۷۹ ش.

۷. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی، محقق: محمد حسین شمس الدین، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ هـ. ق.

۸. الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه و آیامه (صحیح البخاری)، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، بی جا، دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبدالباقی)، ۱۴۲۲ هـ. ق.

۹. دلائل الإمامة، محمد بن جریر بن رستم طبری آملی صغیر، مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم، بعثت، ۱۴۱۳ هـ. ق.

۱۰. سرور أهل الإيمان فی علامات ظهور صاحب الزمان ﷺ، علی بن عبدالکریم بهاء الدین نیلی نجفی، مصحح: عطار، قیس، چاپ اول، قم، دلیل ما، ۱۴۲۶ هـ. ق.

۱۱. سلسلة الأحادیث الصحیحة و شیء من فقہها و فوائدها، أبو عبدالرحمان محمد ناصرالدین بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم الأشقودری الألبانی، چاپ اول، الرياض، مكتبة المعارف للنشر و التوزیع، ج ۱ تا ج ۴: ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م، ج ۶: ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۶ م. ج ۷: ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۲ م.

۱۲. سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة، أبو عبدالرحمان محمد ناصرالدین بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم الأشقودری الألبانی، چاپ اول، الرياض، دار المعارف، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م.

۱۳. سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبدالله محمد بن يزيد القزويني، و ماجه اسم أبيه يزيد، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربية، فيصل عيسى البابي الحلبي، بي جا، بي تا.
۱۴. سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السَّجِسْتَانِي، محقق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت، المكتبة العصرية، صيدا، بي تا.
۱۵. شرح سنن أبي داود، عبدالمحسن بن حمد بن عبدالمحسن بن عبدالله بن حمد العباد البدر، مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، <http://www.islamweb.net> الكتاب مرقم آليا، و رقم الجزء هو رقم الدرس ۵۹۸ درساً.
۱۶. شرح نهج البلاغة، عبدالحميد بن هبة الله بن أبي الحديد، مصحح: ابراهيم محمد ابوالفضل، چاپ اول، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۷. طبقات الحنابلة، محمد بن محمد أبوالحسين بن أبي يعلى، محقق: محمد حامد الفقي، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
۱۸. عون المعبود شرح سنن أبي داود، و معه حاشية ابن القيم: تهذيب سنن ابى داوود و إيضاح علله و مشكلاته، محمد أشرف بن أمير بن على بن حيدر، أبو عبدالرحمان شرف الحق الصديقي العظيم آبادي، چاپ دوم، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۱۹. الغيبة نعماني، محمد بن ابراهيم ابن أبي زينب، مصحح: على اكبر غفاري، چاپ اول، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ هـ. ق.
۲۰. الغيبة، كتاب الغيبة للحجة، محمد بن الحسن طوسی، مصحح:

تهرانی، عبادالله و ناصح علی احمد، چاپ اول، قم، دار المعارف

الإسلامية، سال ۱۴۱۱ ه. ق.

۲۱. فتح الباری شرح صحیح البخاری، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۷۹، رقم کتبه و أبوابه و أحادیثه: محمد فؤاد عبدالباقی، قام بإخراجه و صححه و أشرف علی طبعه: محب الدین الخطیب، علیه تعلیقات العلامة: عبدالعزیز بن عبدالله بن باز.

۲۲. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد

آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ه. ق.

۲۳. کتاب الفتن، أبو عبدالله نعیم بن حماد بن معاویة بن الحارث

الخزاعی المروزی، محقق: سمیر أمين الزهیری، چاپ اول،

القاهرة، مكتبة التوحيد، ۱۴۱۲ ه. ق.

۲۴. کتاب المصنف فی الأحادیث والآثار، أبوبکر بن أبی شیبة،

عبدالله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستی العبسی، محقق:

کمال یوسف الحوت، چاپ اول، الرياض، مكتبة الرشد، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲۵. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی ابن بابویه، مصحح: علی

اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ه. ق.

۲۶. لسان العرب، أبو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن علی

ابن منظور الأنصاری الرویفعی الإفريقي، چاپ سوم، بیروت، دار

صادر، ۱۴۱۴ ه. ق.

۲۷. مرقة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، أبو الحسن نورالدین الملا

الهروی القاری علی بن (سلطان) محمد، چاپ اول، بیروت، دار

الفكر، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م.

٢٨. المستدرک علی الصحیحین، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحکم الضبی الطهمانی النيسابوری المعروف بابن البيع، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١١ ق - ١٩٩٠ م.

٢٩. مسند أحمد بن حنبل، أبو عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی، محقق: شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد وآخرون، إشراف: عبدالله بن عبدالمحسن التركي، چاپ اول، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ ق - ٢٠٠١ م.

٣٠. المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله ﷺ (صحيح مسلم)، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، محقق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.

٣١. موسوعة في أحاديث الإمام المهدي، الضعيفة و الموضوعة، عبدالعليم عبدالعظيم البستوي، چاپ اول، ١٤٢٠ ق - ١٩٩٩ م.

٣٢. الموضوعات، جمال الدين عبدالرحمان بن علي بن محمد الجوزي، تحقيق: عبدالرحمان محمد عثمان، چاپ اول، ناشر: محمد عبدالمحسن صاحب المكتبة السلفية بالمدينة المنورة، جلد ١ و ٢: ١٣٨٦ ق - ١٩٦٦ م، جلد ٣: ١٣٨٨ ق - ١٩٦٨ م.

٣٣. المهدي المنتظر في ضوء الأحاديث و الآثار الصحيحة، عبدالعليم عبدالعظيم البستوي، چاپ اول، بیروت، المكتبة المكية، مكة المكرمة، السعودية، دار ابن حزم للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٢٠ ق - ١٩٩٩ م.

٣٤. النهاية في غريب الحديث و الأثر، مبارك بن محمد ابن اثير جزري،

۹۶ اشتراکات شیعه و اهل سنت در عقیده مهدویت

مصحح: محمود محمد طناحی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه

مطبوعات اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.

۳۵. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف الرضی، مصحح: صبحی

صالح، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ه. ق.